



سم دوگانه‌سازی

محمد عطریان‌فر



بگرام؟ نه!

مخالفت طالبان با خواست آمریکا



مثل هیچ‌کس نیست

درباره کامران فانی



۴

کافه



نه جبهه نه پارلمان

به بهانه انتخاب هیأت‌رئیس جبهه اصلاحات
به این تشکل سیاسی پرداخته‌ایم



یادداشت روز

جهان؛ حامی غزه

بعید است اسرائیل پایبند به توافق با حماس باشد

صبح زنگنه



کارشناس امور خاورمیانه

از زمان شکل‌گیری منازعه فلسطین و اسرائیل، ایالات متحده همواره کوشیده است نقش میانجی میان دو طرف را ایفا کند؛ تلاشی که از دوران «یاسر عرفات» و سازمان آزادی‌بخش فلسطین آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. واشنگتن در دهه‌های گذشته بارها نشست‌ها، مذاکرات و توافق‌هایی را میان مقامات فلسطینی و اسرائیلی سامان داده اما هیچ‌یک از آنها به ثمر نرسیده است. هر بار که توافقی شکل گرفت از اسلو تا کمپ دیوید و پس از آن، این اسرائیل بود که مفاد تعهدات را نقض کرد و زیر تمامی توافقات زد. در نتیجه، دولت نیم‌بند خودگردان فلسطین در رام‌الله هرگز نتوانست به نهادی واقعی برآید و سرزمین‌های فلسطینی بدل شود. برعکس، اشغال‌گری اسرائیل به شکلی مستمر و خرنده ادامه یافت. در حالی که جامعه جهانی انتظار داشت، اسرائیل به مسیر صلح بازگردد این رژیم به سیاست محاصره، دیوارکشی و محدودسازی کامل تردد فلسطینی‌ها روی آورد. دیواری بلند و ضخیم میان شهرک‌های صهیونیست‌نشین و مناطق فلسطینی‌نشین کشیده شد تا عملاً ارتباط انسانی، اقتصادی و اجتماعی فلسطینی‌ها از هم گسسته شود. هر بار که ارتش اسرائیل به مناطق فلسطینی یورش برد، واشنگتن در موضع دفاع از تل‌آویو ایستاد و هر مقاومتی را با برچسب «تروریسم» سرکوب کرد. این چرخه یک‌سویه و ظالمانه تا امروز ادامه یافته است. آخرین حلقه از این زنجیره، فاجعه انسانی در غزه است؛ جایی که در پی عملیات «طوفان الاقصی»، اسرائیل جنگی تمام‌عیار را آغاز کرد که هدف آن چیزی فراتر از مقابله نظامی بود. نابودی شرایط حیات در نوار غزه، تخریب زیرساخت‌ها، محاصره کامل غذا و دارو و بمباران بی‌وقفه مناطق مسکونی، تصویری از جنگی به ظاهر نظامی اما در واقع ویرانگر زندگی مدنی به نمایش گذاشت. کشورهای عربی، همانند گذشته، به صدور بیانه‌ی و محکومیت‌های لفظی بسنده کردند و جهان غرب نیز به‌رغم شوک افکار عمومی در برابر جنایت‌های اسرائیل، سکوتی معنادار در پیش گرفت. اما این بار برخلاف گذشته، افکار عمومی جهان علیه اسرائیل به‌پا خاست. دانشگاه‌ها، روشنفکران و حتی مردم عادی در خیابان‌های اروپا و آمریکا، سیاست‌های اسرائیل را محکوم کردند و خواستار پایان حمایت بی‌قید و شرط واشنگتن از تل‌آویو شدند. در همین فضای متحول جهانی بود که حدود ۱۶۰ کشور عضو سازمان ملل متحد، دولت مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند و بر حق حیات و استقلال واقعی مردم فلسطین تأکید کردند. واقعیت آن است که آمریکا هرگز میانجی بی‌طرفی در این مناقشه نبوده است. نقش واشنگتن در روند صلح خاورمیانه نه بر مبنای عدالت بلکه با هدف مدیریت بحران به سود اسرائیل تعریف شده است. هرگاه فشار افکار عمومی جهان افزایش یافته، آمریکا با ژست میانجی‌گری کوشیده است، صدای اعتراضات را فروشناند. حتی طرح‌های اخیر از جمله ابتکار ۲۰ ماده‌ای دولت ترامپ نیز بیش از آنکه بر مبنای مصالح واقعی فلسطینی‌ها باشد، تلاشی برای بازسازی چهره سیاسی واشنگتن در برابر افکار عمومی جهانی بود. اما با توجه به حاکمیت جریان‌های تندرو در کابینه اسرائیل، بعید است تل‌آویو حتی در صورت پذیرش توافقی جدید به تعهدات خود پایبند بماند. تجربه نشان داده است که اسرائیل هر توافقی را در کوتاه‌مدت امضا می‌کند و در میان‌مدت نقض می‌کند. از سوی دیگر، واشنگتن نیز قادر نیست و شاید هم تمایل ندارد، فشار مؤثری بر متحد استراتژیک خود وارد آورد تا در مسیر صلح واقعی گام بردارد. رفتار اخیر نخست‌وزیر اسرائیل و مواضع تند و مغرورانه او حتی موجب بروز اختلافاتی در داخل آمریکا شده و واکنش‌های تند دونالد ترامپ را نیز در پی داشته است. با این حال این اختلافات بیشتر به رقابت‌های سیاسی داخلی آمریکا مربوط است و نه دلسوزی برای مردم فلسطین. آنچه مسلم است، روند تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از تلاش‌های میانجی‌گرانه آمریکا در جهت تحقق صلح پایدار نبوده و نخواهد بود زیرا کشوری که خود اصلی‌ترین حامی مالی، نظامی و سیاسی اسرائیل است، نمی‌تواند داور منصف این منازعه باشد. تا زمانی که چنین واقعیتی تغییر نکند هر طرح و توافقی، محکوم به تکرار چرخه‌ای است که از دل آن تنها اشغال، ویرانی و بی‌عدالتی زاده می‌شود.

است؛ تکه‌ای از جهان ممنوعه و رویاهای مدرن. در کشوری که فرصت پیشرفت واقعی روزبه‌روز محدودتر می‌شود، نمایش ظاهری موفقیت، جای موفقیت واقعی را گرفته است. مردم برای گوشی‌ای صف می‌کشند که شاید نتوانند آن را راحت بخرند اما می‌توانند با آن شبیه کسانی باشند که آینده دارند. در اینجا، مصرف کالای لوکس نه از وفور که از فقدان می‌آید. فقدان امید، فقدان امنیت و فقدان اعتماد. آیفون در ایران فقط یک کالا نیست؛ نوعی تسلی

در یکی از استارت‌آپ‌های فروش به فاصله چند ساعت اعلام شد که تمام آیفون‌های ۱۷ پرومکس به فروش رفته است! در روزگاری که طبقه متوسط ایرانی زیر فشار تورم و ناامیدی از آینده له می‌شود، صف خرید آیفون ۱۷ با قیمت ۳۴۰ میلیون تومان، چیزی بیش از عطش تکنولوژی است. آنچه می‌بینیم، نشانه‌ای از بحران هویت و میل به دیده شدن در جامعه‌ای فرسوده است. آیفون دیگر ابزار ارتباط نیست، سند تفاخر است؛ مدرک شأن

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در مرکز خرید پایتخت، جایی که تب‌وتاب تکنولوژی هر روز داغ‌تر می‌شود، امیر جوان ۳۰ ساله‌ای که ماه‌ها برای خرید یک گوشی موبایل، پولش را پس‌انداز کرده با نگاهی پر از تردید به‌ویترین فروشگاه‌ی خیره شده است. قیمت آیفون ۱۷ پرومکس نیامده سر به فلک کشیده و تا ۳۴۰ میلیون تومان فروش می‌رود. دیروز

ادامه در صفحه ۶

مرض آیفون

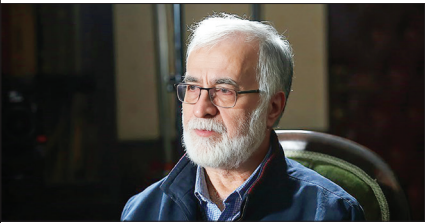
خرید گوشی آیفون ۱۷ پرومکس با قیمت بیش از ۳۰۰ میلیون تومان نشانه‌ای از بحران هویت و میل به دیده شدن در جامعه‌ای فرسوده است. اتفاقی که این‌روزها به ابزار تفاخر تبدیل شده است
سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



گزارش

عطریان‌فر بر لزوم احترام به کنوانسیون CFT تأکید کرد:

دوگانه‌سازی سیاسی سم مهلک است



گروه سیاسی: عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران با بیان اینکه پادمان‌ها و کنوانسیون‌هایی مانند FATF و CFT باید همواره ذیل چارچوب‌های مرتبط با سازمان‌های جهانی مورد احترام و پذیرش قرار گیرند، گفت: ما هرگز عزت، منزلت و جایگاه سازمان ملل و نهادهای مرتبط با آن را به دلیل نفوذ آمریکایی‌ها تضعیف نمی‌کنیم.

محمد عطریان‌فر طی روزهای اخیر در گفت‌وگو با ایرنا درباره تصویب CFT از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تأکید کرد: ما فشارغ از اختلاف‌ها و درگیری‌هایی که با دنیای استکبار داریم و امروز با تمام قدرت مقابل آن ایستاده‌ایم باید مرز میان کنوانسیون‌ها و توافق‌های بین‌المللی را از مناقشات خودمان با دشمن تفکیک کنیم.

وی یادآور شد: اگرچه می‌پذیریم که برخی تدابیر و سیاست‌های اتخاذ شده در سازمان ملل ممکن است تحت تأثیر اعمال زور و سلطه آمریکا قرار گیرد اما هرگز عزت، منزلت و جایگاه سازمان ملل و نهادهای مرتبط با آن را به دلیل نفوذ آمریکایی‌ها تضعیف نمی‌کنیم. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی بیان کرد: طبیعی است که پادمان‌ها و کنوانسیون‌هایی مانند FATF و CFT نیز باید ذیل همان چارچوب‌های مرتبط با سازمان‌های جهانی مورد احترام و پذیرش قرار بگیرند.

عطریان‌فر با بیان اینکه در طول یکی دو دهه اخیر به دلیل «خلط مبحث» در این زمینه مقاومت کرده‌ایم و سودی نبرده‌ایم، افزود: توصیه من این است که سرنوشت کشور و مسائل جهانی را در مناقشات مربوط به درگیری‌های اصلی‌مان با آمریکا و رژیم صهیونیستی از روابط‌مان با سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل تفکیک کنیم.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره ضرورت کنار گذاشتن اختلاف‌ها و دعوای سیاسی داخلی و تمرکز بر حفظ وحدت و انسجام گفت: ما بارها تأکید کرده‌ایم که نباید مسائل ملی و منافع کشور را قربانی اختلاف‌های گروهی، دسته‌ای و قبیله‌ای کنیم و همواره روی این موضوع تأکید کرده‌ایم اما متأسفانه برخی از رقبای سیاسی ما توجهی به این نکته ندارند. عطریان‌فر افزود: به عنوان آخرین نکته و راه‌حل رفع مشکلات، من فرمایشات رهبری را مبنا قرار می‌دهم. اخیراً رهبر انقلاب، نکته بسیار مهمی را مطرح کردند و فرمودند که باید دوگانه «طرفدار برجام» و «مخالف برجام» را کنار بگذاریم.

وی خاطرنشان کرد: این پیام رهبری روشن‌گرانه است چراکه برجام محصول تلاش و تدبیر مقامات رسمی کشور است که در صدر آن رهبری حضور داشته‌اند و در زمان مناسب، نکات خود را مطرح کرده‌اند و مجریان و دیپلمات‌ها نیز به آن توجه کرده‌اند. دوگانه‌سازی‌های سیاسی، سم مهلکی است. اکنون که ما در برابر دشمن قرار داریم، شرایطمان عادی نیست که اختلافات و درگیری‌های گروهی را گسترش دهیم بلکه باید این مسائل را کنار بگذاریم.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با تأکید بر اینکه در شرایط فعلی، هرگونه اختلاف در سطوح مختلف قدرت باید از اولویت‌های روزمره کنار گذاشته شود، تصریح کرد: ما باید به این اصل مهم توجه کنیم که جریان‌های اصولگرا، اصلاح‌طلب و همه گروه‌هایی که تحت تأثیر این دو جریان هستند باید در قالب یک اتحاد و انسجام نخبگانی، دولت و نظام را حمایت کنند تا بتوانیم از این بحران‌ها عبور کنیم.

عطریان‌فر تصریح کرد: در یک کلام امروز هیچ امری مهم‌تر، ضروری‌تر و مؤثرتر از انسجام میان مردم، حاکمیت و گروه‌های سیاسی برای عبور از بحران‌ها وجود ندارد و باید این انسجام تقویت شود.

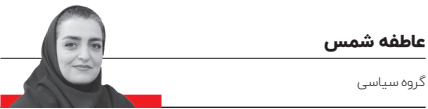
نه جبهه، نه پارلمان

به بهانه انتخاب هیات‌رئیس جبهه اصلاحات به این تشکل سیاسی پرداخته‌ایم

چالش‌های قدیمی، پرسش‌های تازه

در میان منتقدان درون‌جریانی، یکی دیگر از محورهای اصلی بحث نیز سبک مدیریت آذر منصوری است. مقایسه میان دوره او و دوره ریاست بهزاد نبوی تقریباً در تمام تحلیل‌ها دیده می‌شود. نبوی در دوره پیشین توانسته بود با وجود اختلاف‌نظرهای عمیق میان احزاب اصلاح‌طلب، نوعی توازن و همگرایی نسبی برقرار کند. اما به باور برخی اعضای جبهه، آذر منصوری – با وجود رویکرد آرام و دیپلماتیک – هنوز نتوانسته همان میزان اقتدار و نفوذ را در میان طیف‌های متنوع اصلاح‌طلبان به دست آورد. در مقابل، مدافعان او می‌گویند، منصوری در شرایطی بسیار دشوارتر از دوره نبوی، یعنی در دوران انسداد سیاسی، توانسته ساختار جبهه را زنده نگه دارد.

با وجود انتقادات اما جبهه اصلاحات در سه سال گذشته،



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در نشست اخیر مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران، اعضای هیات‌رئیس – برای سومین دوره فعالیت این نهاد سیاسی انتخاب شدند. طبق نتایج اعلام شده، آذر منصوری برای سومین سال پیاپی در مقام ریاست جبهه اصلاحات ابقا شد. در کنار او، محسن آرمن به‌عنوان نایب‌رئیس اول، سیدحسن رسولی نایب‌رئیس دوم، بدرالسادات مفیدی دبیر و جواد امام سخنگوی جبهه انتخاب شدند. این ترکیب نشان می‌دهد که اصلاح‌طلبان فعلاً ترجیح داده‌اند به جای تغییر بر تداوم مسیر گذشته تأکید کنند. در حالی که در فضای سیاسی کشور خبری از رقابت گسترده نیست، حفظ انسجام درونی

برای اصلاح‌طلبان به یک هدف حداقلی اما مهم تبدیل شده است.

به موجب اساسنامه جبهه اصلاحات ایران، هیات‌رئیس – جبهه متشکل از ۱۰ عضو است که ۵ عضو آن شامل رئیس، دو نایب‌رئیس، دبیر و سخنگو برای

مدت یک سال از سوی مجمع عمومی انتخاب و سایر ۵ عضو هیات‌رئیس (یعنی رؤسای کمیته‌های پنج‌گانه) پس از برگزاری انتخابات درون‌کمیته‌ای به ترکیب هیات‌رئیس افزوده می‌شوند. ترکیب این جبهه از دو بخش اصلی تشکیل شده است: اعضای حقوقی که نمایندگان رسمی احزاب عضو جبهه هستند و از طریق رأی‌گیری درون‌حزبی معرفی می‌شوند. اعضای حقیقی شامل چهره‌های سیاسی و ملی که به پیشنهاد محمدرضا خاتمی و پس از بررسی در کمیته ۹ نفره انتخاب می‌شوند.

جبهه اصلاحات ایران که در سال ۱۳۹۹ و در پی انحلال شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با حضور ۳۱ حزب به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد، تلاش داشت تا به عنوان یک نهاد بالادستی، مجموعه احزاب و چهره‌های اصلاح‌طلب را ذیل چتری واحد گرد آورد و در مقیاس بزرگ‌تر و منسجم‌تر به گفت‌وگو با اصلاحات در ساختار سیاسی کشور وزن بدهد.

هدف اولیه از این ساختار، تشکیل نهادی فراگیر بود که بعدها به «پارلمان اصلاحات» ارتقا پیدا کند؛ نهادی که بتواند هم ضعف تشکل‌های اصلاح‌طلب را جبران کند و هم به تصمیم‌های جمعی و گفت‌وگو مشترک در این جریان سامان دهد. اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، فاصله زیادی با آن ایده اولیه دارد. به گفته برخی فعالان اصلاح‌طلب در حال حاضر مجمع حقیقی به جای جمعی از سیاستمداران ملی که قرار بود، موتور فکری و مشورتی جبهه باشد به شورای از چهره‌های قدیمی و کم‌تحرك اصلاح‌طلب تبدیل شده که چندان تفاوتی با نمایندگان احزاب ندارند و بیشتر جنبه نمادین دارد.

پارلمان

حرکت تدریجی به سوی انتخابات تناسبی

قالبیاف: تناسبی شدن انتخابات، مشارکت مردم را افزایش می‌دهد

گروه سیاسی: در نخستین همایش هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور با حضور رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای هیأت‌های عالی نظارت استان‌ها، موضوع انتخابات تناسبی شوراهای، محور اصلی سخنان مسئولان بود. در این نشست که روز گذشته در مجلس شورای اسلامی برگزار شد، محمداقبر قالبیاف با تأکید بر ضرورت حرکت نظام انتخاباتی کشور به سمت مدل حزبی و تناسبی، گفت: «اگر انتخابات به صورت تناسبی برگزار شود، در پیشرفت کشور، انسجام اجتماعی، تقویت فعالیت‌های مردمی و افزایش مشارکت عمومی تأثیرگذار خواهد بود».

رئیس مجلس با اشاره به نقش شوراهای در مدیریت شهری و مردمی‌سازی امور افزود: «مجلس و شوراهای، دو بازوی اصلی در تحقق عدالت و کارآمدی هستند و مهم‌ترین گام در این مسیر، اصلاح قانون شوراهای اسلامی کشور است».

قالبیاف گفت هر جا در کشور ناکارآمدی دیده می‌شود، علت آن، حذف مردم از چرخه تصمیم‌گیری است و مدیران باید از تصدی‌گری فاصله بگیرند و نقش تسهیل‌گر داشته باشند.

تعیین کند و هم در عرصه سیاست رسمی کشور اثرگذار باشد. اما واقعیت این است که جبهه هنوز فاصله زیادی با چنین جایگاهی دارد. تصمیم‌ها بیشتر جنبه مشورتی دارد تا اجرایی و اختلاف‌نظر میان احزاب، مانع از شکل‌گیری صدای واحد شده است. در عمل آنچه قرار بود به «پارلمان اصلاحات» برسد بیشتر به شورایی مشورتی شباهت دارد که خروجی‌هایش در حد بیانیه و موضع‌گیری باقی مانده است. در همین راستا به باور برخی تحلیلگران، اگر جبهه اصلاحات نتواند ساختار خود را بازتعریف کند، ممکن است به تدریج از مرکز تصمیم‌سازی اصلاح‌طلبان به نهادی نمادین و بی‌اثر تبدیل شود.

میان آرمان و واقعیت

جبهه اصلاحات ایران در شرایطی به سومین دوره فعالیت خود پا گذاشته که وضعیت سیاسی کشور نسبت

به سال‌های گذشته تغییر کرده است. مشارکت در انتخابات به پایین‌ترین سطح رسیده، بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان ناامیدتر از گذشته است و بسیاری از چهره‌های شاخص از حضور در عرصه سیاست رسمی کناره



جواد امام



بدرالسادات مفیدی



آذر منصوری



حسن رسولی



محسن آرمن

توانسته تا حدی نظم و چارچوب تشکیلاتی خود را حفظ کند. جلسات منظم، کمیته‌های تخصصی فعال و صدور بیانیه‌های تحلیلی درباره مسائل کشور از جمله اقداماتی است که به گفته اعضا، نشانه‌ای از پایداری و تداوم فعالیت اصلاح‌طلبان در فضای محدود سیاسی امروز است. بیانیه‌های اخیر جبهه، به‌ویژه موضع‌گیری در حمایت از اصلاحات ساختاری در حکمرانی و دعوت به گفت‌وگوی ملی، از جمله نقاطی است که برخی تحلیلگران، آن را نشانه‌ای از بازگشت آرام اصلاح‌طلبان به عرصه گفت‌وگو سازی سیاسی می‌دانند چراکه در نبود امکان فعالیت حزبی گسترده و محدودیت رسانه‌ای، همین بیانیه‌ها و مواضع رسمی برای بسیاری از احزاب عضو، تنها تریبون باقی‌مانده است. با این حال منتقدان می‌گویند همین رویکرد محافظه‌کارانه باعث شده تا جبهه در نقش یک نهاد واکنشی باقی بماند؛ نهادی که بیشتر به اظهارنظر و هشدار سیاسی بسنده می‌کند و کمتر ابتکار عملی در صحنه دارد. این در حالی است که همان‌طور که این جبهه در تازه‌ترین بیانیه خود در شهریور ماه تأکید کرده بود: «اصلاحات در کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تحقق آن نیازمند بازسازی اعتماد عمومی و تقویت گفت‌وگو میان جامعه و حاکمیت است».

مسئله اصلی جبهه اصلاحات اما تنها در چهره‌ها خلاصه نمی‌شود. مشکل عمیق‌تر در ساختار و فلسفه وجودی آن است. بسیاری از اصلاح‌طلبان معتقدند که جبهه اصلاحات باید از یک نهاد هماهنگ‌کننده به سمت نهاد تصمیم‌گیر واقعی حرکت کند؛ نهادی که بتواند هم موضع مشترک احزاب را

به گفته او، برای نخستین بار انتخابات شوراهای به صورت تمام‌الکترونیکی برگزار خواهد شد؛ اقدامی که قالبیاف آن را «نماد شفافیت و گامی در جهت اعتمادسازی عمومی» توصیف کرد.

در ادامه این همایش، علی زینی‌وند، رئیس ستاد انتخابات کشور نیز با اشاره به تغییرات در قانون شوراهای گفت: «انتخابات تناسبی، مشارکت احزاب شناسنامه‌دار را افزایش داده و زمینه‌ای برای تقویت و مسئولیت‌پذیری آنها فراهم می‌کند». او از اصلاحات جدیدی همچون برگزاری تمام‌الکترونیکی انتخابات، اضافه شدن سازمان اطلاعات سپاه به مراجع استعلام و تغییر مهلت استعفا به سه ماه قبل از ثبت‌نام خبر داد. زینی‌وند تأکید کرد: «هیأت‌های اجرایی انتخابات باید تابیلوی معتمدین هر منطقه باشند و برگزاری سالم و آرام انتخابات در اولویت است». وی همچنین اعلام کرد که همزمان با انتخابات شوراهای در پنج حوزه انتخابیه، انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و در سه حوزه نیز انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان رهبری برگزار می‌شود. به گفته رئیس ستاد انتخابات کشور، ویژگی این دوره از انتخابات، دوری از حاشیه‌ها، شفافیت در اجرا و اعتمادسازی عمومی است؛ امری که به تعبیر او، «بار دیگر پایبندی مردم به نظام و نقش شوراهای در اداره کشور را به نمایش خواهد گذاشت».

بگرام؟ نه!

طالبان با بازگشت آمریکا به پایگاه هوایی بگرام مخالفت کرد

گروه بین‌الملل: گروه طالبان در تازه‌ترین موضع‌گیری خود نسبت به احتمال بازگشت نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام، هرگونه واگذاری این پایگاه را رد کرده و حضور مجدد خارجی‌ها در خاک افغانستان را بی‌اساس دانسته است. «ذبیح‌الله مجاهد»، سخنگوی طالبان در مصاحبه‌ای تأکید کرد: «افغان‌ها هرگز اجازه نخواهند داد، سرزمین‌شان تحت هیچ شرایطی به کسی واگذار شود». پیش‌تر مقامات ارشد طالبان نیز بر این موضع تأکید کرده و گفته‌اند نه تنها بازگشت یک سرباز خارجی بلکه واگذاری حتی یک وجب از خاک افغانستان به بیگانگان ممکن نیست. اظهارات مجاهد در حالی بیان شد که طالبان چندی پیش به ساکنان اطراف پایگاه بگرام دستور داد که خانه‌های خود را تخلیه کنند. پیش‌تر «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، از تلاش واشنگتن برای بازپس‌گیری این پایگاه خبر داد و گفت، بخشی از انگیزه او نزدیکی بگرام به یک سایت حساس در چین است که در آن سلاح‌های هسته‌ای تولید می‌شود. او همچنین ابراز تأسف کرد که کنترل آمریکا بر این پایگاه در دوران خروج تحت ریاست جمهوری «جو بایدن» حفظ نشد.

واکنش جهانی و منطقه‌ای

این اظهارات واکنش فوری کشورهای منطقه و بازیگران جهانی را به دنبال داشت. روسیه، چین و ایران نسبت به هرگونه

بازگشت نظامی آمریکا هشدار دادند. پیش‌تر نیز در نشست چهارجانبه روسیه، ایران، چین و پاکستان در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، وزیران خارجه این کشورها مخالفت خود را با ایجاد مجدد پایگاه‌های نظامی خارجی در افغانستان اعلام کردند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز تأکید کرد که بازگشت زیرساخت‌های نظامی خارجی به افغانستان غیرقابل قبول است. افغانستان همواره مرکز رقابت قدرت‌های جهانی بوده است. موقعیت جغرافیایی این کشور، همسایگی با چین، روسیه، ایران و پاکستان اهمیت استراتژیک فوق‌العاده‌ای به آن بخشیده است. حضور مجدد آمریکا می‌تواند، موازنه قدرت در منطقه را بر هم زده و تنش‌های امنیتی ایجاد کند. روسیه، چین، ایران و پاکستان نسبت به پیامدهای احتمالی بازگشت آمریکا هشدار داده‌اند و این نگرانی‌ها، باعث شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای علیه هرگونه حضور نظامی واشنگتن در افغانستان شده است.

چالش‌های پیش روی آمریکا

واشنگتن اکنون با مخالفت هماهنگ منطقه‌ای روبرو است. این اجماع بی‌سابقه هرگونه مانور نظامی آمریکا در افغانستان را محدود کرده و با هزینه‌های سیاسی و امنیتی سنگین همراه خواهد بود. کارشناسان آمریکایی نیز هشدار داده‌اند که بازگشت نظامی به بگرام



در سیاست فعلی خود از واگذاری خاک کشور برای اهداف نظامی آمریکا پرهیز کرده و تلاش می‌کند، استقلال سیاسی و توازن منطقه‌ای را حفظ کند.

چهارمین عامل، جلوگیری از تشدید تنش‌های منطقه‌ای است. حضور مجدد آمریکا می‌تواند، کشورهای همسایه از جمله پاکستان، ایران و چین را نگران کند. طالبان با سیاست فعلی، تلاش می‌کند از افزایش تنش‌ها جلوگیری کرده و جایگاه خود را در سطح بین‌المللی تثبیت نماید.

در مجموع، سیاست طالبان در برابر بازگشت آمریکا بر حفظ استقلال، مشروعیت داخلی، توازن منطقه‌ای و بهره‌برداری اقتصادی هوشمندانه از روابط با چین متمرکز است. بازگشت نظامی واشنگتن به بگرام در چنین شرایطی نه تنها دشوار است بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت و ثبات افغانستان و منطقه خواهد داشت.

دیپلماسی

ما به کسی پول نمی‌دهیم که دروغ بگوید

واکنش عراقچی به پول‌پاشی اسرائیل در فضای مجازی

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در واکنش به اقدام اسرائیل در پرداخت پول به اینفلوئنسرها برای تبلیغ این رژیم در شبکه‌های اجتماعی، پیامی در حساب کاربری خود در شبکه ایکس منتشر کرد و نوشت: «ما به کسی پول نمی‌دهیم که در شبکه‌های اجتماعی دروغ بگوید. این کاری است که اسرائیل انجام می‌دهد». این واکنش پس از انتشار گزارشی از اندیشکده کوئینسی مطرح شد که جزئیات تازه‌ای از پروژه‌ای موسوم به «استر» را فاش کرد. طبق این گزارش، اسرائیل به گروهی متشکل از حدود ۱۴ تا ۱۸ اینفلوئنسر شبکه‌های اجتماعی برای هر پست تبلیغاتی در حمایت از این رژیم، مبلغی نزدیک به ۷ هزار دلار پرداخت می‌کند. انتشار این گزارش، همزمان با موج تنش‌ها و انتقادات گسترده جهانی نسبت به اقدامات اسرائیل در غزه، بازتاب زیادی پیدا کرد. در چنین فضایی، ون جونس، مجری شبکه سی‌ان‌ان، در یکی از برنامه‌های پربیننده خود با طرح یک شوخی نامناسب درباره کودکان کشته شده در غزه، خشم کاربران و رسانه‌ها را برانگیخت. او همچنین ایران و قطر را متهم کرد که از طریق انتشار ویدئوهای قربانیان فلسطینی در شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند، افکار عمومی آمریکا را تحت تأثیر قرار دهند. این اظهارات ون جونس با موج گسترده‌ای از انتقادات در فضای مجازی مواجه شد و در نهایت، او مجبور به عذرخواهی بابت این «شوخی» شد. نام پروژه «استر» برگرفته از داستان استر در کتاب مقدس است؛ زنی که طبق روایت یهودیان در امپراتوری ایران باستان، یهودیان ساکن ایران را از نابودی نجات داد. طراحان این پروژه با این نام‌گذاری، خود را در نقش مدافعان جامعه یهودی در دوران مدرن معرفی می‌کنند. این سند، جنبش حامی فلسطین در آمریکا را نه صرفاً یک جنبش سیاسی بلکه بخشی از یک «شبکه جهانی حمایت از حماس» می‌داند و آن را «شبکه‌ای برای پشتیبانی از تروریسم» توصیف می‌کند. پروژه استر، دولت فدرال آمریکا را ترغیب می‌کند تا با بررسی وضعیت قطع کمک‌های مالی، دانشگاه‌هایی که به ادعای این پروژه در مقابله با اعتراضات ضداسرائیلی کوتاهی می‌کنند را تحت فشار قرار دهد.



اسرائیلی، قوی‌ترین اهرم برای پیشرفت مذاکرات به شمار می‌رود. با این حال آینده صلح جامع و پایدار همچنان شکننده باقی مانده است. اختلافات اساسی و وجودی نظیر ساختار امنیتی آینده غزه، سرنوشت توانمندی‌های نظامی حماس و میزان عقب‌نشینی نظامی اسرائیل هنوز حل نشده و موانع عمیقی پیش روی طرفین ایجاد می‌کنند. یک مسئول فلسطینی آگاه از روند مذاکرات درباره جنگ غزه تأکید کرده که بعید است، توافق سریعی درباره غزه امضا شود و حماس نگران است که اسرائیل پس از بازگرداندن اسرای خود از مذاکرات انصراف دهد. وی به خبرگزاری «رویترز» گفته است: احتمالاً مشکل اصلی در مذاکرات همان درخواست اسرائیل در طرح دونالد ترامپ مبنی بر خلع سلاح حماس است. همچنین یک منبع در حماس به خبرگزاری رویترز گفته است تا زمانی که اسرائیل به اشغالگری خود پایان نداده و کشور فلسطین تشکیل نشده، خلع سلاح حماس ممکن نیست. این اظهارات نشان می‌دهد که اختلافات عمیق میان دو طرف همچنان ادامه دارد و دستیابی به صلح جامع نیازمند زمان، مذاکرات فشرده و تضمین‌های بین‌المللی خواهد بود.

در مجموع، مذاکرات مصر، نقطه عطفی در روند آشتی موقت میان اسرائیل و حماس به شمار می‌رود و تبادل اسرای اسرائیلی و برقراری آتش‌بس مقدماتی از دستاوردهای مهم این مرحله است اما دستیابی به صلح پایدار نیازمند تعامل طولانی‌مدت، حل اختلافات اساسی و نظارت بین‌المللی مستمر است. کارشناسان بر این باورند در حالی که مرحله اول با تبادل اسرا قابل تحقق است، تضمین اجرای کامل طرح ترامپ و برقراری امنیت طولانی‌مدت در غزه مستلزم اراده سیاسی و مکانیسم‌های نظارتی قوی خواهد بود.

منطقه حائل داخل مرزهای غزه، کردیدر فیلادلفیا در مرز با مصر و تپه تل‌المنطار در شرق محله شجاعیه است. عمق و اندازه مواضع هنوز مشخص نشده اما نشان‌دهنده تلاش اسرائیل برای حفظ نفوذ نظامی بلندمدت در منطقه است. ترامپ همچنین در ارزیابی خود روند مذاکرات را «بسیار مثبت» و «سریع» توصیف و اعلام کرده است که تپه‌های فنی دوشنبه در مصر دیدار خواهند کرد تا جزئیات توقف درگیری‌ها و تبادل اسرا نهایی شود. او خواستار تکمیل مرحله اول در همان هفته شده و در پیام خود نوشته است: «زمان بسیار مهم است وگرنه خونریزی عظیمی در پی خواهد داشت؛ چیزی که هیچ‌کس نمی‌خواهد ببیند».

او پیش‌تر هشدار داده است که اگر حماس اصرار کند قدرت را در غزه حفظ کند با «ویرانی کامل» مواجه خواهد شد. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین تأکید کرده است: «اسرائیل با خط اولیه عقب‌نشینی موافقت کرده، ما آن را به حماس نشان داده‌ایم. وقتی حماس تأیید کند، آتش‌بس بلافاصله برقرار، تبادل اسرا آغاز و شرایط مرحله بعدی عقب‌نشینی فراهم خواهد شد». منابع خبری گزارش داده‌اند که هیأت حماس به ریاست خلیل الحیه پیش از نشست اصلی در شرم‌الشیخ، جلسات مقدماتی با مسئولان اطلاعاتی مصر برگزار کرده و بر لزوم تضمین‌های روشن و مکانیسم‌های نظارتی برای اجرای کامل توافق تأکید کرده است. آنها نسبت به احتمال عدم پایبندی نتانیاهو به طرح ترامپ، ابراز نگرانی کرده‌اند و بر اهمیت تضمین‌های اجرایی تأکید دارند. چشم‌انداز فوری مذاکرات با نوعی خوش‌بینی محتاطانه همراه است به ویژه در مرحله اول که شامل تبادل گروگان‌ها با زندانیان است. اراده سیاسی برای تأمین توقف انسانی کوتاه‌مدت و آزادی اسرای

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



مذاکرات غیرمستقیم میان حماس و اسرائیل هم‌اکنون در مصر در حال برگزاری است و دیپلمات‌های میانجی تلاش می‌کنند، خطوط اولیه توافق را پیش از ادامه رسمی گفت‌وگوها ترسیم کنند. این نشست‌ها با مشارکت هیأت‌هایی از مصر، آمریکا، قطر، جنبش حماس و اسرائیل و با هدف دستیابی به یک توافق فنی اولیه شامل برقراری آتش‌بس مقدماتی، تبادل اسرا میان دو طرف و طرح عقب‌نشینی تدریجی اسرائیل از نوار غزه در جریان است و بر اساس گزارش‌ها، انتظار می‌رود، ادامه مذاکرات در روزهای آینده نیز پیگیری شود. کاخ سفید پیش‌تر اعلام کرده بود که دونالد ترامپ، دو نماینده کلیدی خود را برای تسهیل مذاکرات به مصر فرستاده است؛ جرد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور و استیو ویتکاف، مذاکره‌کننده ارشد واشنگتن در خاورمیانه مأموریت دارند که روند پیشبرد گفت‌وگوها را سرعت دهند. ترامپ تأکید کرده است که به محض موافقت حماس با خط اولیه عقب‌نشینی نظامی اسرائیل، آتش‌بس فوری برقرار خواهد شد. این مذاکرات در حالی ادامه دارد که حماس موافقت خود را با آزادی اسرای اسرائیلی و پذیرش برخی مفاد طرح ۲۰ بندی ترامپ برای غزه اعلام کرده است. با این حال هنوز پرسش‌های مهمی درباره خلع سلاح حماس و میزان عقب‌نشینی ارتش اسرائیل باقی مانده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، ابراز امیدواری کرده است که اسرای اسرائیلی به زودی آزاد شوند اما ارتش اسرائیل به رغم درخواست ترامپ برای توقف حملات همچنان به بمباران غزه ادامه می‌دهد. در واکنش به این تحولات، شماری از کشورهای عربی و اسلامی، گام‌های حماس در جهت اجرای طرح ترامپ را ستوده‌اند. وزرای امور خارجه مصر، اردن، اندونزی، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه و امارات متحده عربی در بیانیه‌ای مشترک اعلام کرده‌اند که از اقدامات حماس در زمینه آزادی اسرای اسرائیلی و آغاز فوری مذاکرات اجرایی تقدیر می‌کنند. این وزرا همچنین از آمادگی حماس برای واگذاری اداره غزه به کمیته‌ای اداری متشکل از تکنوکرات‌های مستقل استقبال کرده‌اند.

دونالد ترامپ نیز در گفت‌وگو با رسانه آمریکایی «آکسیوس» از مکالمات خود با بنیامین نتانیاهو سخن گفته و اعلام کرده که نخست‌وزیر اسرائیل چاره‌ای جز پذیرش طرح ۲۰ بندی نداشته است. با این حال رسانه صهیونیستی «کان» گزارش داده است که حتی پس از توافق تبادل اسرا و اجرای مرحله‌ای طرح ترامپ، اسرائیل قصد دارد، حضور نظامی خود را در سه مکان استراتژیک داخل و اطراف غزه حفظ کند. منابع ناشناس اعلام کرده‌اند که این طرح شامل

فرهنگ

مثل هیچ کس نیست*

برای کامران فانی که کاش نسیان را از یاد ببرد



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

جناب فانی کارهای بسیار بزرگی در کارِ کتابداری کرد.

سیدعبدالله انوار

کسی را که جوارح و جوانح‌اش بیمار باشد، می‌شود نزد حاذق‌ترین اطبا برد یا در مجهز‌ترین مریض‌خانه‌ها بستری کرد و خلاصه همهٔ توش و توان را مصروف و معطوف کرد تا سلامتی خود را باز یابد و دست‌کم می‌شود، امیدی داشت و بست. اما آن کس که مغزش صدمه و لطمه دیده و مبتلا به نسیان شده، هر قدر هم کوشش شود تا بماند و به زندگی بازگردد، وقتی چیزی را فرا یاد نمی‌آورد و نمی‌داند و نمی‌فهد که در پیرامون‌اش چه می‌گذرد و حتی متوجه نیست که آن بیرون، جماعتی دل‌نگران احوال‌اش هستند و دارند برای بهبودی‌اش به این در و آن در می‌زنند، انگار چیزی جز پایان امیدواری و آرزومندی نیست.

جناب استاد «کامران فانی» هم درست همین وضعیت را دارد. او که با آن جُشهٔ ریزنقش و موهای خوش‌حالت خود، شمع هر محفل و مجلسی و گل هر بوستان و گلستانی بود، پس از چند سال که تقریباً هیچ‌کس از روزگارش باخبر نبود و هیچ تماسی را پاسخ نمی‌داد و جز معذود و محدود دُوستانی را—تازه او که رفیق‌باز نبود و کسانِ معینی در نزدیکی داشت—به حضور می‌پذیرفت حالا معلوم و مکشوف شده که چندی است یا شاید هم خیلی وقت است، زمان و زمانه را فراموش کرده و در یک سراسر سالمندان نگاه‌داری می‌شود و حتی نمی‌دانیم آن چهرهٔ گشاده و سیمای بشاش که زادهٔ قزوین بود و ۲۵ فروردین سال گذشته به هشتادمین پلهٔ نردبان زندگی گام نهاد، اکنون چگونه شده است. او که عموماً با اصحاب رسانه، رابطه‌ای حسنه داشت و تقاضای کم‌تر خبرنگاری را برای گفت‌وگو یا یادداشت بی‌پاسخ می‌گذاشت، حالا خیلی دردآورد و غم‌بار است که کسی یا کسانی باید تروخشک‌اش کنند.

من نیز مفتخرم که چندباری در همهٔ این سال‌ها از او یادداشت گرفتم و جز یکی دو بار، همیشه از سر لطف اجابت کرد که آخرین‌اش، اگر اشتباه نکنم، برای یادنامهٔ (محمدتقی دانش‌پژوه) بود که درست یک دهه پیش منتشر شد (روزنامهٔ ایران، شنبه، ۲۹ فروردین ۱۳۹۴ صفحهٔ ۸). یادداشت‌ها را با خط فوق‌العاده خوش‌اش و ثرِ بی‌نهایت شگفت‌آورش می‌نوشت و نشانی منزل را می‌داد که کوچه‌ای در خیابان عبدالله‌زاده از منشعبات بلوار کشاورز بود. خانه‌ای قدیمی که همراه با خاله‌اش زندگی می‌کرد. مطلب را در پاکتی می‌گذاشت و تحویل می‌داد. حتی هنوز به‌طرز عجیبی شمارهٔ تلفن آن‌جا را به‌یاد دارم که نسبتاً ژُند بود. وقتی به آن روزهای سرر حالی و سر پایِ او فکر می‌کنم، دلام می‌گیرد که آن همه فرهیختگی و فرزنگی، آن کوه فضل و آن دریای فکر، گویی حالا جملگی دود شده و به هوا رفته است. بی‌تعارف؛ وقتی گرفتار دُھول و زوال عقل شده، یعنی هیچ از او نمانده است. او که وقتی قلم بر کاغذ می‌فرساید، غوغا می‌کرد. او که شیدا و شیفتهٔ کتاب بود و البته خاضع و خاشع و اهل تساهل و تسامح، که وقتی مجلهٔ «بخارا»، دهم اسفند ۱۳۹۴، شبی به افتخارش برگزار کرد، گفت: «ترجیح می‌دهم در عوض من جشن‌نامهٔ (کتاب) برگزار شود.»



به‌قول داریوش شایگان، «با کامران فانی می‌توان از تئوری بیگ‌بنگ تا فلسفه در فیزیک جدید، از فیزیک کوانتوم تا موسیقی قرون وسطای فرانسه و باروک ایتالیا، از نقاشی مکتب ونیز و مکتب هلندی‌های قرن هفدهم، از «ورمیر» «ولاسکز» سخن گفت. با او می‌توان از قرآن، از عصر حجر، از نوسنگی، از ایتالیای قرن پانزدهم، از روسیه قرن نوزدهم و از آمریکا، سخن گفت و سخنان سنجیده و منسجم او را شنید.» یا به اعتقاد حسین معصومی‌همدانی «از دقائق حکمی و کلام قرآنی تا ادبیات اروپایی، از زندگی فلان شاعر مهجور ایرانی تا جزئیات تاریخ نقاشی و موسیقی اروپایی، از فیزیک تا متافیزیک، کم‌تر زمینه‌ای است که شما پرشی درباره‌اش داشته باشید و از پیش فانی دست خالی برگردید.» و به نظر حسن انوشه که ورودش به وادی ترجمه را مدیون و مرهون او بود، «احتمالاً تنها ایرانی است که همهٔ ۱۱ جلد تاریخ ویل دورانت را خوانده است.» عبدالحسین آذرنگ او را با «ریزبینی، نکته‌سنجی، قدرت تشخیص، بررسی، تحلیل، ارزش‌یابی و داوری‌های منصفانه، ذهن منطقی، منظم، دقیق، روش‌مند، عالمانه و در عین حال بهره‌مند از اعتدال و ذوق هنری، بیان صریح، بی‌تعارف و بی‌تکلف و گاه همراه با طنز» توصیف کرده است.

او که حافظه‌ای همیا و ذهنی منضبط داشت، رفیع‌النظر و منبع‌الطبع بود، بسیار کتاب‌خوان و به قول نصرالله پورجوادی «تدخوان» و به گفتهٔ پوری سلطانی «شیفتهٔ خواندن و اندیشیدن» بود. او که فقط دایره‌المعارف‌نویس نبود، دایره‌المعارف‌شناس و دایره‌المعارف‌خوان هم بود و حتی به عقیدهٔ عده‌ای دایره‌المعارف متحرک و جامع‌الاطراف و بحرالعلوم و در یک کلام؛ همه‌چیزدان و همه‌چیزخوان. چه گسترهٔ کارهایش، گواهِ گوارای دانایی اوست و چه خوش که ما خوشه‌چین خوان دانش‌اش بودیم. چه درد و چه دریغ که او هم چنان در میان ماست و ناگزیر و ناچاریم که از افعال ماضی از برایش به کار بندیم و تنها دل‌خوش باشیم که ید بیضایی پیدا شود و معجزه کند و حافظه‌اش را برگرداند، هر چند اهل علم محال‌اش می‌دانند.

باقی بقی‌تان حضرت آقای فانی، که شما باقی هستید نه فانی.

*تعبیر بهاء الدین خرمشاهی دربارهٔ کامران فانی



تهران، مرداد ۱۳۸۹ – از راست: تورج اتحادیه، علی دهباشی، داریوش شایگان، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی/ عکس از آرشیو مجلهٔ بخارا

قله‌های مولاناشناسی

بزرگداشت مولانا، فروزانفر و همایی در دانشگاه تهران برگزار شد

فروزانفر دربارهٔ مولانا هم‌چنان بر قله است و فروزانفر تمام آرای صوفیه را خوانده بود و مثنوی را به طور کامل در خاطر داشت و ارزش کارهایش در فهم و شناساندن مولانا قابل ستایش است. همایی و فروزانفر، حاصل مکتب تعلیم و تربیت ایران با عمر طولانی هستند که در آن مکتب، مستعدان علم به نحوی پرورش یافته‌اند که این فرهنگ را می‌فهمند.»

در محضر همایی و فروزانفر

علی‌اشرف صادقی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو شورای علمی دایره‌المعارف اسلامی نیز با تأکید بر این‌که امثال همایی، فروزانفر، زرین‌کوب و مینوی از قله‌های مطالعات مولاناشناسی هستند، عنوان کرد: «عالمانه‌ترین شرح متعلق به خارجی‌ها در حوزهٔ مولانا متعلق به نیکلسون است که شاگرد ادوارد براون بود.»

صادقی با بیان این‌که بخش زیادی از معارف اسلامی در مثنوی معنوی آمده است به این نکته اشاره کرد که در دوران تحصیل خود در دانشگاه افتخار شاگردی فروزانفر را داشته و با اشاره به این‌که همایی چند سال بزرگ‌تر از فروزانفر بود و در آن سال‌ها در ناصرخسروی تهران منزل داشت، گفت: «زمانی که من دانشجوی او بودم دیگر نمی‌توانست خودش درس بدهد. جزو‌های داشت که هر سال یک دانشجوی نسبتاً آگاه که به این مباحث اطلاع داشت آن را برای دیگران می‌گفت و آن سال هم من این وظیفه را برعهده داشتم. خود استاد روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۱:۳۰ یعنی نیم ساعت آخر کلاس را می‌آمد و عروض درس می‌داد در همین کلاس بود که روزی من را مورد تنقد قرار داد و گفت یکی از کسانی هستم که در حوزهٔ عروض اطلاعات زیادی دارم.»

صادقی به بیان خاطراتی از استاد فروزانفر و استاد همایی پرداخت و با بیان اینکه استاد فروزانفر بسیار شیرین‌سخن بود و در تحلیل‌هایش به مسائل اجتماعی و سیاسی و جامعه‌شناسی اشاره می‌کرد، ادامه داد: «خیلی‌ها مجذوب فروزانفر بودند و ما که جوان‌تر بودیم بیشتر جذب او می‌شدیم. فروزانفر در دوران قبل از انقلاب، سناتور شد و سال‌ها رئیس دانشکدهٔ الهیات بود. استاد همواره می‌خواست، بالا باشد و برای مصدق

مراسم بزرگداشت مولانا جلال‌الدین بلخی و بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همایی عصر یک‌شنبه ۱۳ مهر در تالار استاد عباس اقبال آشتیانی دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم علی‌اشرف صادقی، علی بهرامیان، بهروز محمودی بختیاری و ایرج شهبازی به سخنرانی پرداختند.

فروزانفر هم‌چنان بر قلهٔ مولاناپژوهی

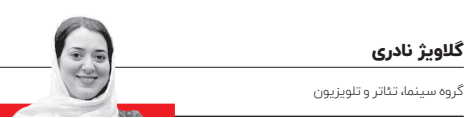
علی بهرامیان، معاون علمی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سخنانی عنوان کرد: «فروزانفر در دو قسمت موسس و بنیانگذار به شمار می‌رود؛ در مطالعات تاریخ ادبیات از اولین کسانی بود که به طور انتقادی به تاریخ ادبیات توجه کرد. در کتاب مهم «سخن و سخنوران» او برای اولین بار تاریخ ادبیات فارسی را از صورت تذکرنویسی درآورد و به آن جنبهٔ تحقیقی و علمی داد. کسانی از میان شاگردانش صحبت‌ها و بحث‌هایش را در حوزهٔ تاریخ ادبیات می‌نوشتند و چندین کتاب از این صحبت‌ها و بحث‌ها پدید آمده که از جمله آن‌ها کتاب تقریرات است. با وجود پیشرفت‌های ایجاد شده در حوزهٔ تاریخ و در حوزهٔ ادبیات متأسفانه در حوزهٔ تاریخ ادبیات، پیشرفت چندانی نشده و مباحثی چون تاریخ ادبیات فارسی در شبه‌قاره و نیز در سایر حوزه‌ها مثل ماوراءالنهر و عثمانی مغفول مانده است.» بهرامیان همچنین با بیان این‌که فروزانفر تاریخ ادبیات را با رویت خاصی می‌دید، عنوان کرد: «فروزانفر معتقد بود بدون بررسی شرایط سیاسی و عقیدتی زمان، کار در تاریخ ادبیات به نتیجه نمی‌رسد و می‌گفت، تاریخ ادبیات به تحول احوال و علت آن‌ها می‌پردازد و اعتقاد داشت، زندگی اشخاص را باید به طور کامل بررسی کرد تا تاریخ ادبیات استنتاج شود. فروزانفر تاریخ و علوم و سیاست را می‌دانست و قدرت تحلیل داشت و در تاریخ و ادبیات و سیاست و علوم قرآنی و کلام و فلسفه متخصص بود و از تمام این علوم استفاده کرد تا در حوزهٔ ادبیات و تاریخ ادبیات از آن‌ها بهره ببرد چراکه یک فرد تا از فرهنگ ایرانی و اسلامی آگاه نباشد، کارش در حوزهٔ تاریخ ادبیات به نتیجه نمی‌رسد.» این استاد دانشگاه همچنین با بیان اینکه سال‌ها گذشته و نسخه‌های زیادی پیدا شده و مطالعات زیادی در حوزهٔ آثار مولانا به وجود آمده، عنوان کرد: «آثار

سینمای کودک

سایه جشن هنر بر جشنواره فیلم کودک

در اصفهان جشنی برپا شده که جشنواره فیلم کودک و نوجوان را به حاشیه برده است

جنگ‌های مناسبی کرده بود و هیچ ربطی به یک رویدادی فرهنگی که سی‌وهفتمین دوره خود را سپری می‌کند، نداشت. با اینکه اصفهانی‌ها تجربه زیادی در برگزاری این جشنواره دارند و بیشترین دوره آن در این استان برگزار شده اما این افتتاحیه نشان داد که آنها هنوز با برگزاری چنین رویداد بیگانه‌اند و یا اینکه آن را زیاد جدی نمی‌گیرند. اتفاق جالبی که امسال در اصفهان رخ داده، بی‌ارتباط با این افتتاحیه نبود. در نقاط مختلف شهر بیلبوردهای درباره جشن هنر کودک اصفهان به چشم می‌خورد و مجریان افتتاحیه هم آنقدر



گلویژ نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان در اصفهان در حال برگزاری است. جشنواره‌ای که سی‌وهفتمین دوره خود را سپری می‌کند و امسال تنها ۸ فیلم ایرانی را در بخش مسابقه خود دارد. این ۸ فیلم از میان ۲۵ فیلم بلند سینمایی انتخاب شده است و حامد جعفری، دبیر این دوره که مدیریت بنیاد سینمایی فارابی را هم برعهده دارد در نشست خبری این جشنواره اعلام کرد که برای انتخاب آثار در این دوره سختگیری شده است. اشکان رهگذر که سال گذشته با انیمیشن «ژولیت شاه» در جشنواره فیلم فجر حضور داشت در اولین روز از برگزاری جشنواره فیلم کودک به عدم انتخاب این فیلم در این فستیوال اعتراض کرد که حامد جعفری در پاسخ به پرسش خبرنگاران مواردی مانند بالا بودن سن شخصیت اصلی این انیمیشن و خرده‌داستان‌هایش که ربطی به سینمای کودک ندارند را از جمله دلایل عدم انتخاب این انیمیشن اعلام کرد.

افتتاحیه این جشنواره جمعه در دو بخش برگزار شد. در مراسم اول در گلستان شهدای اصفهان، افتتاحیه معنوی برای گرامیداشت شهدای جنگ ۱۲ روزه برگزار شد و مراسم دوم، جمعه شب در سالن همایش‌های این شهر برپا شد. برگزاری این مراسم در سالنی شبیه اجلاس سران تهران باعث شده بود که هیچ ارتباطی میان مهمانان سالن که اکثر آنها کودک و نوجوان بودند و این برنامه به‌وجود نیاید. صدای بهجه‌ها آنقدر در فضای سالن گم و گور می‌شد که کمتر هیچانی در برنامه ایجاد می‌کرد. دو مجری افتتاحیه احسان مهدی و حامد مدرس بودند که افتتاحیه یک جشنواره بین‌المللی را با جُنگ‌های خردسال تلویزیونی اشتباه گرفته بودند و تنها کودکان سالن را به دفعات به دست زدن و چیخ و هورا و می‌داشتند. اجرای چندباره گروه‌های حواشی و سرود و موسیقی، مراسم افتتاحیه را شبیه به





اثر ماشه بر تولید

مذاکره با سرمایه‌گذاران برای چند پروژه متوقف شده است

از همین طریق است که برخی سریال‌های موفق نزدیک به ۵۰ میلیون مخاطب داشته‌اند.

در ماه‌های گذشته پلتفرم‌های شاخص، تولید موفقی نداشتند اما همچنان به کار خود ادامه داده و دست به تولید جدید می‌زنند و همین نشان از بنیه مالی مناسب آنها دارد و بر صحبت‌های خانی مهر تایید می‌زند. او توضیح می‌دهد: پلتفرم‌ها مثل سوپرمارکتی هستند که هر نوع خوراکی‌ای دارند و از حجم ترافیک، اسپانسر و داندلود درآمد کسب می‌کنند. آنها نسبت به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده خود در سطح کلان، درآمد خوبی به دست می‌آورند و در شرایطی که ما در سینما دو سه ماه از عمر مفید خود را می‌گذاریم فیلم تولید می‌کنیم و بعد سراغ کار بعدی می‌رویم آنها استارت‌آپ‌هایی هستند که هر روز محتوا تولید می‌کنند و در دورانی که تلویزیون هم محتوای جذابی ندارد، بخش زیادی از جامعه را مخاطب هر روز و شب خود کرده‌اند. او با اشاره به بالا رفتن نامتناسب دستمزد بازیگران در این شرایط سخت اقتصادی توضیح می‌دهد: الان برای یک فیلم با بودجه کم با دو بازیگر متوسط حدود ۳۰ میلیارد تومان باید خرج کرد، در صورتی که فیلم «رها» با رقمی کمتر از این قیمت تولید شده بود. ما زمانی برآوردمان به این شکل بود که ۷۰ درصد هزینه‌ها متعلق به عوامل بود و ۳۰ درصد برای بازیگران ولی با تغییر شرایط، جای دستمزد بازیگرها با عوامل تغییر کرده و الان بیش از ۵۰ درصد بودجه تولید یک فیلم برای بازیگران خرج می‌شود. تمام اینها در حالی است که ما باید به بازگشت سرمایه هم فکر کنیم ولی چگونه؟!

به اعتقاد این پخش‌کننده در چنین شرایطی اگر فیلمی ۶۰ میلیارد هم بفروشد، ضرر کرده است و تاکید می‌کند: به نظرم اگر فیلمی کمتر از ۶۰ میلیارد تومان بلیت بفروشد، در گیشه شکست‌خورده مطلق است. اگر فیلم بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان بفروشد، می‌تواند حداقل به پول خود برسد و اگر بالای ۱۰۰ میلیارد تومان بفروشد آن وقت می‌توان به سود فکر کرد و الان شرایط اکران بر همین اساس قابل تحلیل است.

او با ابراز نگرانی از آینده سینمای ایران می‌گوید: ما الان با یک سینمای شکست‌خورده طرف هستیم که هم سازمان سینمایی و هم صنف نسبت به آن کم‌کاری می‌کنند. در این اوضاع سینما یک رقیب جدی به نام vod دارد که با پول‌پاشی، شرایط را برای سینما سخت‌تر کرده است.

خانی اکران فیلم‌های توقیفی را هم حتی مسکنی موقت می‌داند و توضیح می‌دهد: برای ماه‌های آینده اگر مقطعی و کوتاه‌مدت بخواهیم چاره بیندیشیم باید سراغ اکران فیلم‌های توقیفی برویم که می‌توانند به سینما کمک کنند اما در طولانی‌مدت باید راهکاری در نظر گرفته شود تا فیلم‌های استاندارد و با کیفیت ساخته شوند. باید ببینیم چرا بعضی فیلم‌های اجتماعی فروش خوبی نداشتند؟ آیا اگر فیلم‌های ما حرف روز و مسائل اجتماعی و سیاسی را مطرح کنند، نمی‌تواند تماشاگر جذب کنند؟ مخاطب امروز جامعه، آقدر درگیر و در معرض محتوای متنوع در استارت‌آپ‌های داخلی و خارجی است که اگر سینما، محتوای به روز و جذابی ارائه نکند، نمی‌تواند موفق باشد.

سایه سنگین اقتصاد و سیاست بر جنبه‌های مختلف زندگی همه ما بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بر اثرات روانی آن هم اضافه شده و روزگار را سخت‌تر کرده است و بیشترین اثرش را که دور از چشم ما هم اتفاق می‌افتد بر تولید می‌گذارد. ما در جریان کاهش تولید اقلام خوراکی یا چیزهایی که در زندگی روزمره مورد استفاده است، قرار می‌گیریم اما شاید تصورش سخت باشد که پس از اجرای مکانیسم ماشه تولید در سینما هم با کاهش و یا در مواردی توقف روبه‌رو شده باشد. بالا رفتن قیمت ارز و طلا، تاثیر مستقیم بر تولید گذاشته و سرمایه‌گذاران به سختی راضی به تولید پرهزینه یک پروژه سینمایی می‌شوند.

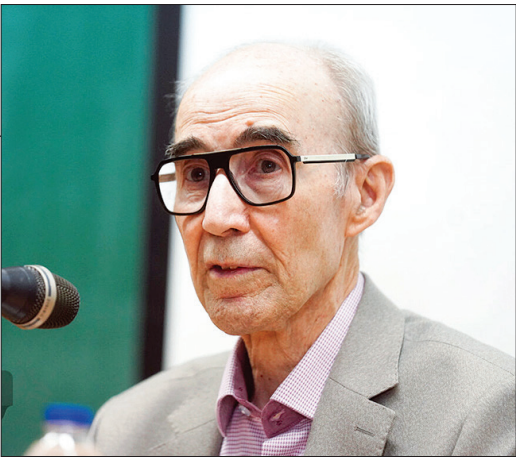
سعید خانی، تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما با بیان اینکه مذاکره برای تولید چندین پروژه با سرمایه‌گذاران متوقف شده است، می‌گوید: همیشه وقتی شرایط اقتصادی در مملکت ملتهب می‌شود، حوزه‌های بسیاری تاثیر می‌گیرند و فضای هنر و سینما هم مستثنا نیست. وقتی در سینما ثبات وجود نداشته باشد، حضور سرمایه‌گذاران هم به مخاطره می‌افتد. خود من و تعدادی از همکارانم در روزهای اخیر به خاطر اسنپ‌ک مذاکراتی که برای سرمایه‌گذار برای ساخت فیلم‌های جدیدمان داشتیم، متوقف شدند و این نگرانی وجود دارد که امسال با این شرایط فیلم زیادی در سینما تولید نشود.

به گفته او بخشی از هزینه تولید به خرید یا اجاره تجهیزات می‌گردد که افزایش قیمت ارز تاثیر زیادی بر آنها دارد. خانی دراین باره توضیح می‌دهد: افزایش نرخ تورم باعث می‌شود، برآوردهای تولید فیلم متغیر باشد و همان‌طور که قیمت طلا و دلار لحظه‌ای بالا می‌رود، برآوردهای ما هم لحظه‌ای شده‌اند چراکه به هر حال بخشی از هزینه‌های تولید به خرید یا اجاره تجهیزاتی برمی‌گردد که افزایش قیمت ارز در آن تاثیر زیادی دارد.

خانی تاکید می‌کند، چنانچه راهکاری برای بهبود وضعیت سینمای شکست‌خورده اندیشیده نشود نه تنها میزان تولید فیلم کاهش پیدا می‌کند بلکه عرصه رقابت به شبکه نمایش خانگی هم واگذار می‌شود.

به گفته خانی سینما یک هنر- صنعت است ولی شبکه نمایش خانگی فقط صنعت است. سینما سالی ۲۰۰۰ میلیارد تومان می‌فروشد ولی پلتفرم‌ها هر کدام ۲۰۰۰ میلیارد تومان خرج می‌کنند و قطعاً برایشان درآمدزایی دارد و قیمت‌گذاری آنها هم هر روز بالاتر می‌رود در حالی که سینما به خودی خود در جهان به مخاطره افتاده و در کشورهای دیگر راهکارهایی را جست‌وجو می‌کنند ولی متأسفانه اینجا کسی به فکر نیست و سینما هر روز ضعیف‌تر می‌شود.

این تهیه‌کننده سینما معتقد است، کپی غیرقانونی و قاچاق محصولات شبکه خانگی نه تنها به ضرر پلتفرم‌ها بلکه به نفع آنهاست و به اقتصاد پلتفرم‌ها کمک می‌کند! خانی به ایسنا می‌گوید: اصلاً بخشی از درآمد آنها از طریق همین نسخه‌های غیرقانونی و آگهی‌هایی است که آنجا پخش می‌شود و حتی صاحب آگهی‌ها موافق هستند که جلوی پخش این نسخه‌های غیرقانونی گرفته نشود چون



ضعف جسمی‌اش به اندازه‌ای شد که راهنمایی یک رساله دکتری را رد کرد. سال ۴۵ کلاس‌هایش تعطیل شد و تقاضای بازنشستگی کرد. از سال ۱۳۴۶ تا ۵۹ قلم از دستش نیفتاد و تا پایان عمرش که خودش ماده تاریخ مرگش را سروده به نوشتن ادامه داد. «بهروز محمودی با بیان این که همایی در نگارش کتاب‌های درسی نقش مهمی داشته است، عنوان کرد: «کتاب‌های درسی آن زمان بسیار مهم بودند و همایی که دبیرستان دارالفنون بود در تألیف کتاب‌های درسی از جمله سه جلد قرأت فارسی، دستور زبان فارسی، دوره کتاب درسی فارسی و دستور و تاریخ ادبیات ایران نقش داشته است. سال ۱۳۴۷ که فارسی ششم نوشته شد، همایی در تیم تألیف بوده و تصریح شده که قسمت تاریخ ادبیات را او نوشته است. این زاویه از زندگی‌اش یعنی تألیف کتاب‌های درسی ناشناخته مانده ولی باید به آن به طور خاص توجه شود.»

سه دلیل ارادت مولانا به متنبی

دیگر سخنران این مراسم ایرج شهبازی، استاد دانشگاه و مولوی‌پژوه بود که به بیان مضامین و تعابیر مشترک میان مولانا و متنبی پرداخت و گفت: «متنبی از بزرگ‌ترین شاعران جهان عرب است و بسیاری از بزرگان ما تحت‌تأثیرش بوده‌اند. از سخنان نظامی عروضی است که بسیاری از شاعران ایرانی برای برجسته شدن ناچار بوده‌اند، دیوان متنبی را بخوانند و بر آن متبحر باشند. وی فرد یگانه‌ای بوده و به او بسیار مراجعه می‌شده است. شمس وقتی با مولانا ارتباط می‌گیرد از او می‌خواهد، تمام کتاب‌های درسی خود را کنار بگذارد ولی مولانا به دلیل ارادت خاصی که به متنبی داشت از دیوان متنبی دست نکشید و بسیار شیفته و مستغرق در متنبی بود. از نظر شاعری متنبی بسیار بالاست و شاعری درجه اول است که روح حماسی حیرت‌آوری در اشعارش دارد.» شهبازی در ادامه داشتن روح حماسی، متفکر و حکیم بودن و قدرت شاعری بالای متنبی را سه دلیل مهم برای ارادت مولانا به او دانست و افزود: «متنبی با فلسفه یونان نیز آشنایی داشت و مولانا بارها در آثار مختلف خود به اشعار وی اشاره کرده است.» او در ادامه به بیان بخش‌هایی از مشترکات مضامین مورد اشاره در اشعار متنبی و مولانا پرداخت.

فیلم‌ها تا انتها ندارند. هنگام اکران تک سانس «زیبا صدایم کن» در جشنواره، این داوران کودک و نوجوان تا انتها به تماشای فیلم نشستند و سالن را ترک کردند، چراکه تصویرشان این بود که فیلم برای آنها ساخته نشده و اثری مناسب بزرگسالان است. مسوول سالن نمایش هم که با خالی بودن سالن مواجه شد از چند تماشاگر بزرگسال خواست تا سالن را ترک کنند و در نتیجه فیلم به طور کامل در همین تک سانس هم به نمایش درنیامد.

از سوی دیگر «بچه مردم» یکی از پرتعدادترین سانس‌های جشنواره را به خود اختصاص داده و به دفعات در روزها و سانس‌های مختلف به نمایش درمی‌آید.

برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با عوامل و نمایش فیلم‌ها هم چندان منظم و طبق برنامه پیش نمی‌رود. نمایش دو فیلم «جادوی عروسک‌ها» و «دختر برقی ۲» در روز اول جابه‌جا شد و این درحالی بود که عوامل «دختر برقی ۲» به اصفهان نیامده بودند و حسین قناعت، کارگردان این فیلم به تنهایی ناچار شد در نشست پرسش و پاسخ فیلم شرکت کرده و جوابگوی مخاطبان و داوران کودک و نوجوان باشد. شهره سلطانی که تنها بازیگر حاضر در جشنواره این فیلم بود هم به دلیل خستگی زیاد ناشی از سفر از حضور در این نشست عذرخواهی کرد. نکته جالب در این نشست‌ها این است که داوران کودک و نوجوان حتی از خبرنگاران هم سختگیرترند و بدون رودربایستی، پرسش‌های خود را از کارگردان، بازیگران و عوامل فیلم مطرح می‌کنند. آنها نقدهای صریح و تندی به برخی از آثار جشنواره دارند.

جشنواره امسال دو نشریه قاصدک و شاپرک مخصوص مخاطب کودک و نوجوان و خردسال را هم‌زمان با هم منتشر می‌کند.

تا اینجای کار دو فیلم «افسانه سپهر» و «دختر برقی ۲» مخاطبان بسیاری داشته و اینطور به نظر می‌رسد که تا اندازه‌ای توانسته‌اند، نظر تماشاگران و داوران کودک جلب کنند.

فیلم‌های بخش بین‌الملل هم که در سانس‌های محدود و پایانی روز در جشنواره به نمایش گذاشته می‌شوند همان اتفاقی که در جشنواره فجر رخ می‌داد چندان با استقبال تماشاگران روبه‌رو نمی‌شوند و تماشاگران کودک انگار تمایلی به خواندن زیرنویس فیلم‌ها ندارند و ترجیح می‌دهند به تماشای آثاری بنشینند که به زبان مادری ساخته شده‌اند.

اختتامیه این جشنواره ۱۶ مهرماه برگزار خواهد شد و پس از آن، آنچه برای فیلمسازان این جشنواره اهمیت دارد، اکران آثارشان در سینماها و سانس‌های مناسب است.



نیز شعری گفته است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شاه از او اظهار ناراحتی کرد و در مراسمی در دربار به سلامش جواب نداد و جمله‌ای گلایه‌آمیز گفت ولی فروزانفر با ملاحظت به رئیس دانشگاه وقت گفت، آيا منظور شاه شما بوده‌اید؟» علی‌اشرف صادقی همچنین عنوان کرد: «همایی کل تحصیلات حوزوی را تمام کرد و فقه و ادبیات را نیز کاملاً می‌شناخت؛ فروزانفر به اندازه همایی آن مباحث را نخوانده بود ولی با هوش فوق‌العاده و حافظه قوی خود این خلا را جبران می‌کرد؛ حافظه فروزانفر آن قدر قوی بود که دیوان شاعران را از حفظ بود و مشکلات اشعار را هم با حافظه خود حل می‌کرد. استاد همایی اگر وارد دانشکده ادبیات نشده بود، استاد درجه یک حوزه‌های دینی بود. وی زمانی که در دانشکده ادبیات تدریس می‌کرد در دانشکده حقوق نیز فقه درس می‌داد و در دانشکده فنی نیز هیئت قدیم را تدریس می‌کرد. آن قدر مورد علاقه دانشجویان حقوق بود که وقتی از آن دانشکده رفت، دانشجویان برای بازگشتش تظاهرات کردند.» صادقی با تأکید بر اینکه فروزانفر احترام خاص و عجیبی برای همایی قائل بود، گفت: «البته گاهی کنایه‌هایی به او می‌زد. فروزانفر زیرک بود ولی همایی شخصیت ساده‌تری داشت.»

دو زاویه تاریک در شناخت همایی

در این نشست بهروز محمودی بختیاری، زبان‌شناس و استاد دانشگاه در سخنانی با اشاره به اینکه دو زاویه تاریک از همایی باید روشن شود، عنوان کرد: «گفته‌اند همایی استاد دانشگاه نبوده و معلمی بوده که مدتی در دانشگاه هم به او تدریس می‌سپردند و رتبه دانشگاهی نداشته و دبیر بوده و رساله دکتری نداشته ولی سندی از سال ۱۳۱۷ وجود دارد که نشان می‌دهد، او دبیر دارالفنون بوده و سال ۱۳۲۲ با امضای رئیس دانشگاه وقت صلاحیتش تایید شده است. از ۱۷ فروردین ۱۳۲۶ به پایه دوم دبیری رسیده و به استخدام رسمی دانشگاه درآمده و سندی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۲۸ استاد دانشکده ادبیات شده و کرسی تدریس فارسی و عربی را پیدا کرده و حتی به عنوان نماینده دانشگاه به بیروت سفر کرده است. همایی در دهه ۴۰ دچار کسالت و غیبت‌هایی شد و بروشنیت گرفت و

بر این اتفاق تاکید کردند که اینطور به نظر می‌رسد که این جشنواره بین‌المللی زیرمجموعه جشن هنر است و رویدادی طفیلی است که در حاشیه این جشن برگزار می‌شود. انگار اصفهانی‌ها دیگر تمایلی به برگزاری این جشنواره در استان خود ندارند و بیشتر مایلند همان جشن هنر خود را با برگزاری برنامه‌های مختلف تئاتر، موسیقی و سینمای کودک برگزار کنند.

طبق سال‌های گذشته، تفکیک جنسیتی در سالن‌های سینما برای تماشاگران دختر و پسر کودک و نوجوان اجرا می‌شود و آنها در جشنواره در سالن‌های مجزا به تماشای فیلم‌ها می‌نشینند.

امسال در ۱۹ استان فیلم‌ها هم‌زمان با اصفهان به نمایش درمی‌آیند و در تهران سه سالن سینما فرهنگ، موزه سینما، سینما سروش، سینما تماشا و سینما مگامال، فیلم‌ها را برای مدارس و مخاطبان کودک و نوجوان اکران می‌کنند.

این جشنواره امسال هم همان بی‌نظمی‌ها و به‌ریختگی‌های همیشگی را دارد. داوران پرتعداد کودک و نوجوان بیش از ۱۵۰۰ نفر به تماشای فیلم‌ها می‌نشینند و البته بسیاری از آنها تمایلی به تماشای



دیدگاه:یادداشت اقتصادی

میوه‌های یک مکتب

چرا برداشت از لیبرالیسم متفاوت است؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

چند سال پیش هفته‌نامه اگنومیست مروری بر ریشه‌های شکل‌گیری لیبرالیسم داشت و نشان داد از نظر تاریخی این مفهوم تا چه میزان دچار ابهام و سر درگمی بوده است. از قرن نوزدهم که واژه لیبرال مطرح شد، گروه‌های مختلف برداشت‌های مختلفی از این مفهوم داشته‌اند. چنانکه در بسیاری موارد حتی برداشت گوینده و شنونده متفاوت بوده است. لیبرالیسم در اروپا در قرن نوزدهم و پس از طغیان تکنوکرات‌ها و سرمایه‌داران جدید صنعتی علیه اشرافیت فئودالی و زمین‌داری شکل گرفت. در کانون این اندیشه تجارت آزاد، آزادی بیان و سبک زندگی، رقابت عادلانه در بازارها، برابری نژادی و جنسیتی همچنین بازتوزیع ثروت نهفته بود.

یکی از اهداف این جنبش در انگلستان، لغو قانون غله بود. این قانون، واردات غله را ممنوع می‌کرد تا قیمت آن به نفع فئودال‌های زمین‌دار بالا بماند. بورژواها که در نتیجه توسعه صنعت نظم گرفته و طبقه جدیدی ساخته بودند، تلاش می‌کردند تا امتیازهای طبقه اشراف برداشته شود و خوشان بتوانند، آزادانه به خرید و واردات مواد اولیه و فروش و صادرات محصولات جدید بپردازند. نگرانی از ورود دولت و دخالت در اقتصاد نیز بر این مبنا بود که دولت‌ها از اختیار و اقتدار خود برای حفظ امتیاز طبقه حاکم و به زیان نوآوران و کارآفرینان جدید صنعتی و تجاری استفاده می‌کردند. بنابراین آزادی تجارت و حذف مرزهای اقتصادی و کنار زدن امتیازهای اشرافی و حکومتی، کانون این تفکر و ویرایش اندیشه لیبرال بود.

در سنت آمریکا، لیبرالیسم بر مبنای حقوق و آزادی‌های فردی که به وسیله فلاسفه و اندیشمندانی که از سرکوب فکری اروپا گریخته بودند، شکل گرفت و در بنیانه استقلال و قانون اساسی آمریکا و متمم‌های آن جایگاه یافت. بنابراین مفهوم لیبرال در آمریکا بر اساس اندیشه‌های مبتنی بر حقوق قسردی غیرقابل نقض و اقداماتی که برای خیر عمومی لازم است، شکل گرفت. جنبه اقتصادی این امر در زمان بحران بزرگ و دولت فرانکلین روزولت و اجرای برنامه‌های وسیع اقتصادی ظاهر شد. بنابراین اگر در انگلستان به فردی لیبرال گفته شود، او یک راست میانه یا راست افراطی تلقی می‌شود. در آمریکا اگر محافظه‌کاران، کسی را لیبرال بخوانند، منظورشان چپ است البته به مفهوم آمریکایی آن. با این توضیح، مجله اگنومیست از نظر اندیشه‌های رادیکال در انگستان یک مجله متمایل به راست تلقی می‌شود و توسط محافظه‌کاران آمریکا یک مجله متمایل به چپ به حساب می‌آید. لیبرالیسم از ابتدا دارای چارچوب مشخص و ایده‌های روشن بوده است. این ایده که حقوق افراد، قدرت قانونی حاکمیت را با محدودیت مواجه می‌کند یک ایده لیبرال است. بدین معنا که قانون به حاکمیت این اجازه را می‌دهد که در موارد بسیاری وارد عمل شود. اما حقوق افراد بر این آزادی عمل حاکمیت، محدودیت می‌گذارد و لیبرالیسم به هرچه بیشتر محدود شدن آزادی عمل حاکمیت و به رسمیت شناخته شدن حقوق فردی معتقد است. پس همان‌طور که گفته شد، این ایده که حاکمیت باید به آزادی افراد احترام بگذارد یک ایده لیبرال است. همچنین این ایده که گروه‌های مذهبی باید تحمل یکدیگر را داشته باشند نیز یک ایده لیبرال است. دموکراسی مدرن، خروجی این ایده‌هایی است که از لیبرالیسم سرچشمه گرفته‌اند. سرمایه‌داری یک ایده لیبرال است. این باور که یک ملت که به لحاظ اقتصادی موفق است باید فرصت این را داشته باشد که زندگی خوبی را تجربه کند نیز یک ایده لیبرال است. این باور که جامعه باید امنیت کودکان، افراد مسن و معلولان را تأمین کند همچنین جامعه باید امنیت افرادی که به خواست خودشان بیکار نیستند و بیکاری‌شان دست خودشان نیست را تأمین کند نیز یک ایده لیبرال است. حقوق مدنی یک ایده لیبرال است. محدود کردن دخالت حاکمیت در زندگی شخصی افراد نیز یک ایده لیبرال است. برابر بودن حقوق افراد نیز یک ایده لیبرال است. این هم‌بخشی‌های مهم به تاریخ بشر ممکن است همگی با یکدیگر سازگاری نداشته باشند و در واقع ندارند. اما آنچه گزاره‌های بالا را به ایده‌های لیبرال تبدیل می‌کند، این نیست که آنها با یکدیگر به لحاظ منطقی سازگار هستند یا نه و این نیست که آنها در یک نظریه فراگیر از لیبرالیسم به صورت منسجم در کنار یکدیگر قرار دارند یا نه بلکه این ایده‌ها از آن جهت ایده‌های لیبرال هستند که روح لیبرالیسم را منعکس می‌کنند. روحی که سعی می‌کند، زندگی بشر را در نقطه خاصی از زمان بهبود ببخشد. نقطه‌ای از زمان که بشر در آن زندگی خوبی را تجربه نمی‌کند. این روح و این تعهد به رفاه همه مردم، این سرزندگی و ظرفیت سازگاریزیر و وقتی را به لیبرالیسم داده است که بتواند طی سه قرن گذشته، پیشرفت‌های اجتماعی را برای بشر به ارمغان آورد.

توسعه

ادامه تیتز یک

مرض آیفون

در جامعه‌ای که مسیرهای موفقیت (تحصیلات، شغل، درآمد پایدار) برای بسیاری از مردم دشوار یا بسته شده، مصرف کالا‌های لوکس به‌ویژه برندهای جهانی به ابزار نمایش موقعیت و شأن اجتماعی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، داشتن آیفون نه فقط یک وسیله ارتباطی بلکه نشانه‌ای از «موفقیت نمادین» است؛ چیزی شبیه مدرک افتخار برای ورود به طبقات جدید! حتی در میان جوانان طبقه متوسط رو به پایین، داشتن آیفون نوعی «ارتقای هویتی» محسوب می‌شود که می‌تواند، جایگزین احساس محرومیت از فرصت‌های واقعی شود.

انگار خرید این گوشی فراتر از یک نیاز ارتباطی، داستانی است از مصرف نمایشی، هویت‌سازی و تلاش برای همگامی با فرهنگ جهانی در کشوری که شکاف اقتصادی و رویای زندگی لوکس، تصمیمات روزمره را شکل می‌دهد. واردکنندگان از ثبت رسمی این گوشی‌ها در گمرک خبر می‌دهند و فروشندگان از حباب قیمتی می‌گویند که شاید تا یک ماه دیگر فروکش کند اما برای بسیاری دیگر، آیفون چیزی بیش از یک دستگاه است؛ آینه‌ای از جایگاه اجتماعی و دریچه‌ای به سوی جهانی که در آن داشتن یک برند خاص، هویت می‌سازد.

قیمت‌های رسمی

با ورود رسمی آیفون ۱۷ پرومکس به بازار ایران، قیمت‌های نجومی این گوشی و هزینه‌های رجیستری آن بار دیگر توجه‌ها را به خود جلب کرده است. از ۲۸ شهریور ماه که عرضه جهانی این مدل آغاز شد، کمتر از ۲۰ روز گذشته و حالا رویه تجاری واردات آن در ایران کلید خورده است. طبق اعلام واردکنندگان، شناسه ارزش گمرکی آیفون ۱۷ در سامانه ثبت سفارش گمرک تأیید شده و امکان رجیستری این گوشی‌ها فراهم است. با این حال قیمت‌های اعلام شده برای آیفون ۱۷ پرومکس در بازار ایران بین ۲۹۵ تا ۳۴۰ میلیون تومان است در حالی که همین مدل در آمریکا و امارات به ترتیب حدود ۱۲۶ و ۱۶۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد.

میشم طلعتی که فعال بازار موبایل است به خبرنگار سازندگی گفت: دو روز پیش یک شرکت موفق به واردات رسمی این گوشی‌ها شده و کد رجیستری روی کارت گارانتی آن‌ها درج شده است. او با اشاره به نظارت بر قیمت‌ها، گران‌فروشی را غیرممکن دانست و افزود که قیمت تمام شده این گوشی‌ها با احتساب حقوق گمرکی و سود بازرگانی تا سقف ۱۵ درصد تعیین می‌شود. با این حال برخی سایت‌های

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

سریال ادامهدار رشد

چرا بازار سهام در مسیر رشد قرار گرفت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات دیروز دوشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۴ با نوسان‌های مثبت شاخص کل همراه بود و در نهایت این شاخص با افزایش ۳۶ هزار و ۶۳۱ واحدی معادل ۱٫۲۸ درصد در سطح ۲ میلیون و ۸۹۰ هزار و ۶۹۲ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد محدودتر ۱ هزار و ۳۸۱ واحدی معادل ۰٫۱۷ درصد به رقم ۸۲۸ هزار و ۳۳۶ واحد رسید. این تفاوت رشد میان شاخص‌ها نشان می‌دهد، جریان اصلی نقدینگی در روز جاری بیشتر به سمت نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز حرکت کرده است.

بررسی عملکرد دیروز بازار حاکی از آن است که بخش عمده رشد شاخص کل ناشی از افزایش قیمت در نمادهای بزرگ بوده است. با وجود رشد کلی بازار، شاخص هم‌وزن که وضعیت عمومی‌تر شرکت‌های کوچک و متوسط را نشان می‌دهد، رشد اندکی ثبت کرد و این امر از ضعف تقاضا در بخشی از نمادهای کوچک حکایت دارد. در پایان معاملات ۳۷۸ نماد در محدوده مثبت و ۴۱۱ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند که تعادل نسبی میان عرضه و تقاضا را نشان می‌دهد. البته در دقائق ابتدایی معاملات، وضعیت بسیار خوب بود

بررسی تحولات اقتصادی

فروش آنلاین، قیمت‌هایی بیش از ۳۰۰ میلیون تومان برای این مدل اعلام کرده‌اند. فروشندگان بازار معتقدند این قیمت‌ها حبابی است و توصیه می‌کنند، خریداران تا کاهش قیمت‌ها در یک ماه آینده صبر کنند. به گفته یکی از فروشندگان، پارت‌نامبرهای مختلف آیفون ۱۷ از جمله مدل‌های چین (دو سیم‌کارته)، سنگاپور (یک سیم‌کارته) و آمریکا و عربستان (پشتیبانی از ای‌سیم) در قیمت‌گذاری تأثیر دارند. برای مثال آیفون ۱۷ پرومکس ۲۵۶ گیگابایتی با پارت‌نامبر چین حدود ۲۰۵ میلیون تومان قیمت دارد اما با افزایش نرخ دلار، این قیمت نیز بالا رفته و انتظار می‌رود به‌زودی کاهش یابد. هزینه رجیستری این گوشی‌ها نیز برای مدل ۲۵۶ گیگابایتی حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان و برای مدل ۵۱۲ گیگابایتی ۴۹ تا ۵۰ میلیون تومان اعلام شده است. در مقایسه با بازار جهانی، قیمت آیفون ۱۷ پرومکس ۲۵۶ گیگابایتی در آمریکا حدود ۱۳۷ میلیون و ۸۸۵ هزار تومان و در امارات ۱۵۹ میلیون و ۵۹۵ هزار تومان است.

در ترکیه اما قیمت این مدل به ۳۵۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد که حتی از ایران هم گران‌تر است. با توجه به متوسط حقوق ماهانه ۲۰ میلیون تومانی در ایران، خرید این گوشی نیازمند پس‌انداز بیش از ۱۵ ماه حقوق است، در حالی که در آمریکا و امارات به ترتیب با حقوق یک ماه، می‌توان ۴ یا ۳ دستگاه از این مدل خرید.

جامعه‌شناسی آیفون

در جامعه‌ای با شکاف طبقاتی شدید، میل روانی به «شبیه شدن» به طبقات بالاتر بسیار قوی است. آیفون در ذهن جمعی ایرانی‌ها، نماد جهانی طبقه بالا و زندگی مرفه است. خرید آن ولو با قرض، وام یا فروش دارایی، راهی برای محو موقت احساس فرودستی است. چنین خریدی، نوعی مقاومت نمادین در برابر تبعیض اقتصادی است. از منظر جامعه‌شناسی، خرید گوشی آیفون، به‌ویژه مدل‌های گران‌قیمت مانند آیفون ۱۷ پرومکس، فراتر از یک انتخاب کاربردی برای رفع نیازهای ارتباطی، معانی و کارکردهای اجتماعی متعددی دارد. در جوامع مدرن به ویژه در ایران که شکاف طبقاتی و تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی برجسته است، آیفون به‌عنوان یک کالای لوکس و نماد جایگاه اجتماعی عمل می‌کند.

بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی مصرف مانند نظریه تورستن ویلن درباره مصرف نمایشی، خرید چنین کالاهایی اغلب با هدف نمایش ثروت، تفاخر و تمایز اجتماعی انجام

می‌شود. آیفون به دلیل قیمت بالا و برندینگ قدرتمند خود به ابزاری برای ابراز هویت و کسب منزلت اجتماعی تبدیل شده است به‌ویژه در میان قشر مرفه یا افرادی که می‌خواهند، خود را در این طبقه جای دهند. در ایران، جایی که قیمت آیفون ۱۷ پرومکس (حدود ۲۹۵ تا ۳۴۰ میلیون تومان) معادل بیش از ۱۵ ماه حقوق متوسط یک فرد است، خرید این گوشی می‌تواند نشانه‌ای از دسترسی به منابع مالی قابل توجه یا تمایل به جبران کمبودهای اجتماعی از طریق مصرف باشد. این پدیده را می‌توان با مفهوم «سرمایه فرهنگی» پیر بوردیو نیز تحلیل کرد، جایی که انتخاب برندهای خاص مانند اپل، نشان‌دهنده سلیقه‌ای متمایز و تلاش برای پیوستن به گروه‌های اجتماعی خاص است.

علاوه بر این، آیفون در ایران به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و تفاوت قیمت با بازارهای جهانی (مثلاً ۱۳۷ میلیون تومان در آمریکا) به نمادی از جهانی شدن و دسترسی به فرهنگ غربی تبدیل شده است. این موضوع در میان جوانان که تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی هستند، برجسته‌تر است و خرید آیفون می‌تواند تلاشی برای همگامی با روندهای جهانی یا نمایش سبک زندگی مدرن باشد. از سوی دیگر، جامعه‌شناسی انتقادی ممکن است این رفتار را به‌عنوان نشانه‌ای از مصرف‌گرایی و تأثیر سرمایه‌داری جهانی بر ارزش‌های محلی تفسیر کند، جایی که افراد تحت فشار تبلیغات و هنجارهای اجتماعی به خرید کالاهایی ترغیب می‌شوند که لزوماً با نیازهای واقعی آنها همخوانی ندارد. با این حال برخی فروشندگان به «حباب قیمت» اشاره کرده‌اند و توصیه می‌کنند که خریداران برای کاهش قیمت صبر کنند که نشان‌دهنده، آگاهی نسبی جامعه از ارزش واقعی این کالا در برابر قیمت نجومی آن است.

در مجموع، خرید آیفون در ایران نه‌تنها یک تصمیم اقتصادی بلکه عملی اجتماعی است که با مفاهیمی چون هویت، جایگاه، تمایز و تأثیرات جهانی‌سازی گره خورده است.

در نهایت باید این را گفت که پدیده خرید آیفون ۱۷ با قیمت ۳۴۰ میلیون تومان، آینه‌ای از چند بحران توأمان در جامعه ایران است. اول بحران هویت طبقه متوسط؛ دوم بحران اعتماد به آینده اقتصادی؛ سوم بحران معنا در زندگی روزمره؛ و در آخر گسترش نمایش‌گرایی به جای تجربه واقعی زیستن.

به همین دلیل صف خرید آیفون ۱۷ فقط صف خریداران یک کالای لوکس نیست؛ صفی است برای دیده شدن، برای احساس بودن و برای فرار از فراموشی!

پیشی دارد هرچند شدت آن نسبت به ابتدای معاملات کاهش یافته است. از سوی دیگر تعداد صف‌های خرید با ۱۲۱ مورد و صف‌های فروش با ۱۴۴ مورد نشان‌دهنده، افزایش نسبی عرضه در نمادهای کوچک‌تر بازار است.

دیروز شاخص کل تا عدد ۲٫۷ میلیون واحد هم بالا رفت اما سریعاً به سمت پایین برگشت و ۱۰ هزار واحد از رشدی که شاخص کل داشت پس گرفته شد. با این حال رشد ۳۶ هزار واحدی به ثبت رسید که عدد خوبی است. به عقیده ناظران، بازار ارز وضعی متلاطم خواهد داشت چراکه نرخ دلار هم تابع عوامل داخلی است و هم بازتابی از تحریم‌ها، انتظارات تورمی و وضعیت صادرات نفت. در سناریوی خوشبینانه، تحلیلگران معتقدند با گشایش‌های سیاسی و دیپلماتیک امکان کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت دلار وجود دارد. اما اگر شرایط فعلی ادامه یابد، دلار ممکن است با روند افزایشی روبه‌رو شود و در برخی مواقع فاصله بین نرخ رسمی و آزاد به شدت افزایش یابد. بازار سرمایه نیز در چنین شرایطی با ریسک بیشتری مواجه است؛ با تورم بالا و کسری بودجه دولت، فشار فروش در بورس شدت خواهد یافت مگر آنکه دولت با سیاست‌های انضباطی و گشایش اقتصادی، اعتماد فعالان را بازگرداند.

به طور کلی، شرایط اقتصادی ایران را می‌توان در یک ترکیب نااطمینانی و فشار دانست: تورم بالا، رشد آهسته یا رکودی، نرخ ارز پرنوسان و کسری بودجه بزرگ. اگر دولت بتواند همزمان با کنترل دست‌های رانتی، اصلاحات ساختاری را اجرا کند، امکان بهبود وجود دارد؛ ولی اگر مسیر فعلی ادامه یابد، بازارها احتمالاً گرفتار وضعیت «رکود تورمی» خواهند شد که در آن رشد پایین است اما تورم همچنان سنگینی می‌کند. اگر بخواهید، می‌توانم چشم‌انداز مجزای بازارهای ارز، بورس، مسکن و کالا‌های اساسی را هم بررسی کنم.

خانه‌های ساعتی

پلیس درباره نظارت بر این خانه‌ها هشدار صادر کرد

مخاطبان اجاره ساعتی

سازوکار «اجاره روزانه» که چند سالی است در تهران پا گرفته، مشتریان متنوعی دارد. گزارش‌های مطبوعاتی نشان می‌دهد که گروه‌های مختلفی به این خانه‌ها مراجعه می‌کنند: گردشگران خارجی و داخلی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی که برای چند روز در تهران مستقر می‌شوند، ایرانیان مقیم خارج کشور در بازدیدهای کوتاه‌مدت، بیماران یا همراهان آنان و مراجعان اداری پایتخت و حتی گاهی خود تهرانی‌هایی که برای تجربه چند شب اقامت در آپارتمان لوکس به این خانه‌ها مراجعه می‌کنند. برای نمونه، یک دانشجوی مقطع دکتری که در هفته دو روز کلاس دارد، اقدام به اجاره روزانه واحد مبله می‌کند و از تخفیف ویژه بهره می‌برد. از سویی دیگر برخی گزارش‌ها تأکید دارند که بازار خرید و فروش مسکن در رکود است و بخشی از مشاوران املاک به ناچار خود را وارد سازوکار اجاره مبله روزانه کرده‌اند. اما دغدغه اصلی همچنان بازرسی و ثبت قانونی این واحدهاست.

ارقام و نرخ‌های نجومی

یکی از مهم‌ترین انتقادات به این شیوه اجاره، قیمت بالای آن است. بررسی آگهی‌های آنلاین نشان می‌دهد که نرخ اجاره روزانه واحدهای مبله در تهران عموماً در محدوده‌ای مشابه هتل‌های گران قیمت است. نرخ شبانه این سونیت‌ها و آپارتمان‌های مبله با توجه به امکانات و منطقه از حداقل ۸۰ هزار تومان تا سه میلیون

گروه اجتماعی: علی رفیعی، رئیس پلیس نظارت بر اماکن عمومی تهران بزرگ با اشاره به گسترش اجاره ملک به‌صورت «ساعتی» در تهران هشدار داده که: «واحدهای مسکونی بسیاری در تهران هستند که مشاورین املاک به‌صورت مبله و ساعتی این واحدها را اجاره می‌دهند؛ این نحوه اجاره خانه می‌تواند تهدید فرهنگی، اجتماعی و امنیتی باشد». به گفته او در دوره جنگ ۱۲ روزه و پس از آن نیز این شیوه اجاره به‌دلیل احتمال ورود گروه‌های خرابکار یا مجرمان مشکوک رصد شده است. به همین دلیل، جلساتی برگزار شده تا هر خانه‌ای که ساعتی اجاره داده می‌شود حتماً با پلیس اماکن هماهنگ و مشخصات کامل مستأجران ثبت شود.

این پدیده مورد انتقاد جدی فعالان صنفی نیز قرار گرفته است. داود بیگی‌نژاد، نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک، اعلام کرده است: «اجاره ساعتی و روزانه خانه ممنوع و انجام آن تخلف است» و تأکید کرده که «اصلاً تعریفی برای اجاره ساعتی وجود ندارد». او هشدار می‌دهد که آگهی‌های اجاره خانه‌های ساعتی در سایت‌های معروف اینترنتی به‌صورت علنی منتشر می‌شوند و امنیت ملی را به خطر می‌اندازند. به باور او در این شیوه از اجاره، اطرافیان و همسایگان از هویت مراجعین به هیچ‌وجه مطلع نیستند و خطر در کمین است. به همین دلیل مسئولان تأکید دارند که پلتفرم‌های آنلاین و مشاوران املاک باید از ثبت کامل هویت مستأجران کوتاه‌مدت اطمینان حاصل کنند و در چارچوب قوانین هتل‌داری و اماکن اقامتی عمل نمایند.

جامعه

گرانی پی‌درپی نان

نوسان قیمت نان عجیب است. برخی یک عدد نان را تا ۱۰۰ هزار تومان می‌فروشند

فائزه مومنی

گروه اجتماعی

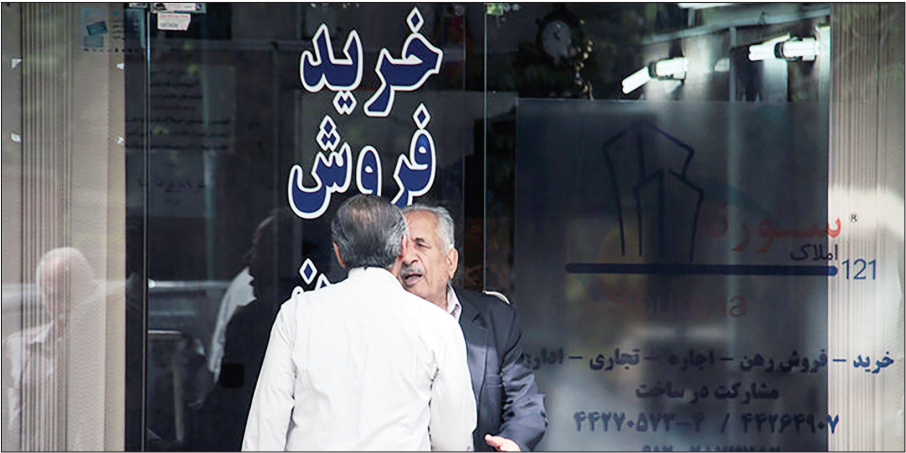
صداسوسیمای دیروز گزارشی از بحران قیمت نان یخش کرد که نشان می‌دهد در نبود نظارت کافی، نانواها نرخ‌های دلخواه تعیین کرده‌اند.

بر اساس این گزارش، با وجود نرخ مصوب نان در تهران، بسیاری از مردم مجبورند چندین برابر آن را بپردازند و حتی اعمال جریمه‌ها هم نتوانسته نانوایان متخلف را بازدارد. گزارش‌ها نشان می‌دهد؛ نانوایی‌ها در برخی مناطق نان را تا ۱۰۰ هزار تومان می‌فروشند. فیلم‌های منتشر شده از برخی نانوایی‌ها، سبدهایی از نان با قیمت‌های نجومی را نشان می‌دهد. گویی فاصله بین قیمت مصوب و نرخ‌های بازار آزاد به حدی افزایش یافته که نظارت دولتی عملاً ناکارآمد شده است.

آمار و واقعیت‌های اقتصادی

آمار رسمی تورم نشان می‌دهد که بحران نان، تنها یک مساله موردی نیست. در شهریور ۱۴۰۴ تورم نقطه‌به‌نقطه اقلام خوراکی حدود ۵۷.۹ درصد اعلام شد و گروه «نان و غلات» بیشترین تورم را داشت: حدود ۹۴.۳ درصد. به زبان ساده نان، یکی از ساده‌ترین و حیاتی‌ترین اقلام سفره مردم، نسبت به شهریور سال قبل نزدیک به ۹۵ درصد گران‌تر شده است. در مقابل، حداقل دستمزد کارگران (با تمام مزایا) حدود ۲۰ میلیون تومان است که با نرخ فعلی دلار آزاد، کمتر از ۱۸۰ دلار در ماه می‌شود؛ رقمی که در

بسیاری از کشورها برابر با درآمد یک یا دو روز کارگر است. در همین حال هزینه سبد معیشت یک خانوار کارگری با متوسط جمعیت ۳.۳ نفر بیش از ۲.۷ برابر نسبت به سال گذشته، افزایش یافته و برای حفظ حداقل سطح زندگی به حدود ۵۰ میلیون تومان در ماه نیاز است. این اعداد نشان می‌دهند، فشار قیمتی بر طبقات پایین به مرز غیرقابل تحملی رسیده است. یک گزارش کارگری می‌گوید، خانواده‌های کارگری برای «زننده ماندن و بقا» به ۵۰ میلیون تومان درآمد نیاز دارند؛ در غیر این صورت باید با یارانه و کالایرگ زندگی کنند. در حالی که نان ۹۵ درصد گران شده و هزینه‌ها هر



که گردشگران خارجی برای چند شب اقامت در تهران می‌پردازند بسیار بالاتر از توان خرید معمول طبقه متوسط است. از سوی دیگر، در فضای مجازی نیز شهروندان از افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها انتقاد می‌کنند. مثلاً در یکی از گفت‌وگوهای آنلاین، کاربری نوشته است: «هیچ نظارتی روی قیمت این خانه‌های ساعتی نیست؛ هر کس هر چه دلش خواست، قیمت می‌دهد. من برای شب جمعه یک جای معمولی را ۱.۵ میلیون تومان رزرو کردم؛ برای آخر هفته اصلاً زیر یک میلیون هم نیست».

هشدار پلیس

پلیس اماکن می‌گوید هرچند تامین این خانه‌ها تا حدودی نیاز مردم به اقامت کوتاه‌مدت را حل کرده اما تا زمانی که قانونمند نشود، تبعات منفی همچنان دوام دارد. برنامه‌ریزی شده است که از این پس هر گونه اعلام اجاره ساعتی پیگیری شود و دفاتر املاک موظفند، قراردادهای مشخصات کامل مستأجران را ثبت کنند. علاوه بر این، اتحادیه‌ها و سازمان‌های نظارتی به دنبال ایجاد چارچوب قانونی برای تعریف دقیق «اقامت کوتاه‌مدت» هستند تا در موارد ضروری این فعالیت‌ها شفاف و قابل نظارت شود.

سلامت

«خرید قدیم» با «قیمت جدید»

قیمت روی جعبه دارو با فاکتور نمی‌خواند!

در هفته‌های اخیر، افزایش دوباره قیمت داروها، بحث تازه‌ای را در میان بیماران و داروسازان برانگیخته است: فروش داروهایی که با قیمت گذشته خریداری شده‌اند اما اکنون با نرخ مصوب جدید به فروش می‌رسند. روی جلد دارو هنوز رقم قدیمی درج شده اما فاکتور فروش رقم دیگری را نشان می‌دهد؛ تفاوتی که به گفته بسیاری از بیماران، نشانه‌ای از بی‌عدالتی است، هرچند قانون آن را تأیید می‌کند. محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با خبرآلاین توضیح می‌دهد که «قیمت دارو در سراسر کشور مصوب و یکسان است. هر دارویی که در سامانه ثبت می‌شود باید با همان نرخ مصوب فروخته شود حتی اگر روی بسته‌بندی، قیمت پایین‌تری درج شده باشد. این موضوع گران‌فروشی محسوب نمی‌شود بلکه نتیجه به‌روزرسانی قیمت‌ها در سامانه است».

اما در سسوی دیگر ماجرا، داروسازان می‌گویند افزایش پیاپی هزینه‌های تولید، قیمت‌گذاری دستوری و تأخیر در پرداخت مطالبات بیمه‌ها آنها را در تنگنا قرار داده است. یکی از داروسازان در تهران می‌گوید: «وقتی تورم بالا می‌رود و سازمان غذا و دارو با تأخیر قیمت‌ها را اصلاح می‌کند، داروخانه‌ها برای جبران زیان احتمالی مجبورند، دارو را با قیمت جدید بفروشند حتی اگر موجودی قبلی باشد. در غیر این صورت در چرخه پرداخت بیمه‌ها ضرر می‌کنیم». این وضعیت در عمل، چرخه‌ای معیوب ایجاد کرده است؛ داروخانه‌ها داروی بیشتری انبار می‌کنند تا از موج بعدی افزایش قیمت عقب نمانند، بیمه‌ها با تأخیر سامانه‌های خود را به‌روزی می‌کنند و در نهایت بار مالی اختلاف قیمت بر دوش بیماران می‌افتد.

از منظر اجتماعی نیز این روند، اعتماد عمومی به داروخانه‌ها را تضعیف کرده است. بسیاری از بیماران می‌گویند، وقتی قیمت درج شده روی جعبه با مبلغ فاکتور تفاوت دارد، احساس می‌کنند فریب خورده‌اند. کارشناسان حوزه سلامت پیشنهاد می‌کنند برای کاهش این تنش‌ها، قیمت‌گذاری داروها به‌صورت سالیانه و شفاف انجام شود تا هم داروخانه‌ها بتوانند برنامه‌ریزی کنند و هم بیماران از سردرگمی رها شوند.

در نهایت، اگرچه فروش داروهای «خرید قدیم با قیمت روز» از منظر قانونی تخلف محسوب نمی‌شود اما تا زمانی که تورم و نوسان قیمت ادامه دارد این قانون همچنان یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در نظام سلامت کشور باقی خواهد ماند.

می‌شود، آن هم اگر صفش را بتوانی تحمل کنی».

واکنش مسئولان

در مقابل این شرایط، برخی از مسئولان و فعالان صنفی روایت دیگری ارائه می‌دهند. حمیدرضا رستگار، رئیس اتاق اصناف تهران، افزایش قیمت‌ها را بیش از هر چیز «جنگ رسانه‌ای و روانی» دانسته که مردم را نگران آینده کرده است. او گفته است ۷۰ درصد تولید و تأمین کالاهای اساسی هیچ ارتباطی با تحریم‌ها یا مسائل بین‌المللی ندارد و مشکلات بیشتر به ضعف در ساختار داخلی برمی‌گردد. به گفته او، دولت باید با «مبدأ گرانی» مقابله کند یعنی با کنترل تولید، واردات و برخورد قانونی با احتکار، جلوی گران‌فروشی را بگیرد. او همچنین تأکید کرده که احتکار گسترده یا سازمان‌یافته در کشور وجود ندارد و مشکل اصلی از افزایش هزینه‌های تولید و تورم عمومی ناشی می‌شود. با این حال بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی معتقدند که مشکل اصلی در نبود نظارت مؤثر است نه صرفاً افزایش هزینه‌ها. به گفته آنها، سیاست‌های اقتصادی دولت در ماه‌های اخیر، از جمله آزادسازی تدریجی قیمت آرد و حذف برخی یارانه‌ها، موجب رها شدن بازار و گسترش گرانی‌های خودسرانه شده است.

شکاف میان گفته‌های رسمی و واقعیت زندگی مردم روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که کنترل و نظارت بر قیمت نان در کشور به شدت ضعیف است و دولت در عمل قادر به مهار تورم در کالاهای اساسی نیست. تورم خوراکی‌ها به‌ویژه نان، رکورد چند ساله‌ای را شکسته در حالی که حقوق‌ها فریز مانده‌اند.

مسئولان از «اقتصاد مقاومتی» و «خودکفایی» سخن می‌گویند اما زندگی واقعی مردم تصویر دیگری را نشان می‌دهد. نان که باید ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین قوت مردم باشد، امروز برای بسیاری به کالایی لوکس تبدیل شده است. تا زمانی که دولت راهکاری برای مهار تورم، کنترل بازار و بازنگری در سیاست‌های مزدی ارائه نکند، سفره خانوارهای کارگری هر روز کوچک‌تر خواهد شد. در شرایطی که نان با قیمت‌های ۱۵ تا ۱۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود و دولت همچنان از مردم می‌خواهد، نگران نباشند این پرسش مطرح است: آیا می‌توان با وعده و انکار، سفره‌های خالی را پر کرد؟



کارگران چه تورم عجیبی را تجربه کرده است. دیگر نباید از تورم نقطه‌به‌نقطه صحبت کرد، ما نیاز به شاخصی به نام تورم روزانه داریم». او تأکید کرده در شرایطی که دولت از ممنوعیت ترمیم دستمزد سخن می‌گوید، زندگی کارگران عملاً غیرممکن شده است.

بسیاری از شهروندان نیز از بی‌تفاوتی مسئولان گلایه دارند. در شبکه‌های اجتماعی می‌پویسند که «نان هم دارد از سفره مردم حذف می‌شود» و وعده‌های دولتی دیگر باورپذیر نیست. خانواده‌ای در جنوب تهران گفته است: «نان سنگک که پارسال ۵ هزار تومان بود الان تا ۳۰ هزار تومان هم فروخته

